



پیام فدائیان

مرکز بر امپریالیسم
و سگهای زنجیرش

سال اول شماره ۲ اردیبهشت ۶۵ ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

موضع ما در قبال مسئله ملی در ایران بطور کلی و در کردستان بطور مشخص

ایران از یکسو کشوری است تحت سلطه امپریالیسم و از سوی دیگر کشوری است مرکب از ملیت‌های گوناگون و بهمین جهت نیز مسئله ملی در آن اهمیت مضاعف دارد. از طرفی تمام خلقهای ساکن این سرزمین در مبارزهای ملی و دمکراتیک در مقابل امپریالیسم قرار میگیرند بقیه در صفحه ۵

پیام چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت آغاز برنامه اصلی رادیو چریکهای فدائی خلق ایران

چریکها به گوش خلقهای قهرمانان در راه رفع کمبودهای کارمندان کوشیدیم و با تلاش خستگی ناپذیر همه رفقای سازمان توانستیم صنای آزمایشی چریکهای فدائی با برطرف کردن بخشی از این خلق ایران میگذرد. ما در کمبودها خود را برای آغاز برنامه این مدت برای رساندن صدای اصلی آماده سازیم در صفحه ۲

پیام چریکهای فدائی خلق ایران

بمناسبت ۱۱ اردیبهشت (اول ماه ۴۵)

روز جهانی کارگران

کارگران مبارز!
خلقهای قهرمان ایران!

۱۱ اردیبهشت اول ماه مهر و اتحاد و همبستگی جهانی کارگران و سمبل مارش طولانی کارگران برای درهم شکستن نظم کهن بر شما گرامی باد. در صفحه ۹

خودکفائی ادعائی رژیم

در زمینه

تامین نیازهای تسلیحاتی

جنگ ایران و عراق

در صفحه ۳۵

یاوه سرائیهای

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

در مورد خلق کرد

دوروق پاره کیهان مورخ ۶۴/۱۲/۱۵ پیرامون موقعیت سیاسی و اجتماعی کردستان و عملکرد دولت در این منطقه تحلیلی از سوی مزدوری بنام حمیدرضا جلائی پور معاون استانداری

روز شمار اردیبهشت ۴۴



قاچاق اسلحه و

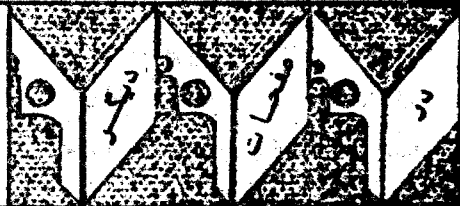
فریبکاریهای امپریالیستها

۴۶

اقدامات ارتجاعی اخیر رژیم

در رابطه با جنگ برای چیست؟

۴۶



صفحه ۴۶

دفاع شرمگینانه (۱)
از فاجعه ۴ بهمن

* شهدای اردیبهشت ماه چریکهای
فدائی خلق ۴۴

"بزرگان"
تازه‌ترین نیرنگ امپریالیسم

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

پیام چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت آغاز
برنامه اصلی رادیو چریکهای فدائی خلق ایران

بوجود آمده بود اعلام کرده ایم که رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند رژیم شاه و در شرایط کنونی شدیدتر از آن است امپریالیسم وابسته است. امروز دیگر دلایل وابسته بودن رژیم جمهوری اسلامی بمناسبت امپریالیستها آنقدر واضح است که فقط با چشم بستن بسه روی واقعیات روشن و آشکار میتوان چنین حقیقتی را انکار نمود. اسناد و مدارک بسیاری نشان میدهند که امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکادر سال ۵۷ در وحشت از او جگیزی

تشدید گرانی و بیکاری و در بدی همراه است، فشارهای بیحدی را برگزیده توده های ستمدیده ایران و بخصوص کارگران و دهقانان زحمتکش ما وارد می آورد و هم از این روست که در میان مردم سئوالهای متفاوتی در مورد ماهیت رژیم جمهوری اسلامی مطرح میشود. آیا اسلامی بودن این رژیم، دلیل بر حاکم شدن چنین شرایطی بر مین ماست؟ و گاه شنیده

حال که در اول ماه مه، روز همبستگی کارگران سراسر جهان، برنامه اصلی صدای چریکها بمناسبت بانک رسای انقلاب رهاشی بخش خلقهای ایران بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیریش و بعنوان خروش انقلابی کارگران، دهقانان و همه توده های ستمدیده، آغاز بکار میکند، لازم میدانیم که مسائلی را هر چند مختصر بنا شما شنوندگان مبارز در میان بگذاریم.

.....، در شرایطی که نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم برای ایران سرمایه داری وابسته به امپریالیسم میباشد در شرایطی که امپریالیستها برای سرو سامان دادن به اقتصاد فلاکت زده خویش بحرانهای خود را بر روی کشورهای تحت سلطه و از جمله ایران سرشکن میکنند، مسلم است که باید شرایط زندگی توده های ماحتمی و خامت بارتر از دوران شاه باشد.

۷ سال است که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با یورش وحشیانه خود به انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ما به پایمال کردن دستاوردهای قیام پرشکوه بهمین مشغول است.

مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ما در صدد انحراف این مبارزات بر آمدند. آنها با بر راه انداختن چرخ تبلیغاتی خود به نفع خمینی در سراسر جهان و با ایجاد امکانات سازماندهی برای خمینی و دارودسته اش در شرایطی که جای یک رهبری انقلابی در جامعه مآخالی بود به سقوط رژیم شاه رضایت داده و خمینی را به جای وی بر سر کار آوردند. این یک تاکتیک محیلانه و نواستعماری بود که امپریالیسم جهت کنترل و سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ما بکار برد. مسلماً اگر توده های مبارز ما در آن زمان از آگاهی والائی برخوردار نبودند و

میشود که کسانی از میان توده ها از اینکه در مبارزات سالهای ۵۷ - ۵۶ شرکت کرده و دست به قیام بهمین زده اند، خجود را سرزنش می نمایند. چرا که تصور میکنند رژیم جمهوری اسلامی حاصل واقعی مبارزات آنان و حاصل قیام بهمین است.

ما چریکهای فدائی خلق بارها و بارها در مورد ماهیت ضد خلقی این رژیم توضیح داده ایم و از همان ابتدای استقرار جمهوری اسلامی علیرغم تمام دغلاکریهای این رژیم و علیرغم جو فریب و ریائی که با همگامی نیروهای فرصت طلب و سازشکار در مورد ماهیت با صلااح "ملی" و "ضد امپریالیستی" رژیم

۷ سال است که مبارزات حق طلبانه و ضد امپریالیستی توده های ما به وقیحانه ترین شکلی توسط این رژیم سرکوب میگردد و در این مسیر تاکنون خون هزاران انقلابی بوسیله دژخیمان بر زمین ریخته شده و دهها هزار نفر از فرزندان خلق، تحت بدترین شرایط در زندان ها بسر می برند. رژیم در این مدت تماماً کوشیده است هر اعتراضی را هر چند کوچک و جزئی باشد و هر صدای آزادیخواهی را با مارک ضد انقلاب در گلر خفه سازد. این شرایط نکبت بار و خفقان آور که با جنگ گسترش بی سابقه فقر و فلاکت

خویش بحرانهای خود را بروی کشورهای تحت سلطه و از جمله ایران سرشکن میکنند ، مسلم است که باید شرایط زندگی توده های ماحقی و خامت بارتر از دوران شاه باشد . واقعیت این است که رژیم منغور جمهوری اسلامی از لحاظ ماهی هیچ تفاوتی با رژیم شاه ندارد . هر دو وابسته به امپریالیسم و هر دو سنگ زنجیری میباشند . اختلاف فقط در در شرایط متفاوتی است که رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلامی در

امپریالیست ، ضد آمریکا و انگلیس و غیره جا میزند . پان اسلامیم برای این رژیم صرفا ابزاری است که بوسیله آن تحت پوشش با مطلق صدور انقلاب اسلامی جنگ ارتجاعی ایران و عراق را بیه پیش میبرد . جنگی که توسط امپریالیست با همکاری رویزیونیستها درست بخاطر فائق آمدن بر بحرانهای امپریالیستی سازمان داده شده است .

در شرایطی که وضعیت معیشتی و خامت بار توده ها ناشی از نظام

کاملا به تاکتیک نواستعماری امپریالیسم پی می بردند ، نقشه های امپریالیستها و سگان زنجیری جدیدشان یعنی خمینی و دارودسته اش را نقش بر آب می نمودند . ولی آیا همه اینها بدان معناست که توده های ماحقی نمی بایست به مبارزه علیه رژیم شاه دست میزدند . آیا آنها نمی بایست با مبارزات گسترده خود مرجعیت سقوط شاه را فراهم می نمودند ؟ بنظر ما برعکس ، لایقهای ستم دیده ایران در مبارزات خود بر علیه شاه مزدور کاملا محقق بودند و کاملا مفید بود که آنها امپریالیسم را مجبور سازند تا یکی از مهردهای دست ساز خویش و با وفاترین نوکرشان رافدا نماید .

ما چریکهای فدائی خلق بارها و بارها در مورد ماهیت ضد خلقی این رژیم توضیح داده ایم و از همان ابتدای استقرار جمهوری اسلامی علیرغم تمام دشمنکاریهای این رژیم و علیرغم جو فریب و ریائی که با شگامی نیروهای فرصت طلب و سازشکار در مورد ماهیت با منطلاح "ملائی" و "ضد امپریالیست" رژیم بوجود آمده بود اعلام کرده ایم که رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند رژیم شاه و در شرایط کنونی شدیدتر از آن بیه امپریالیسم وابسته است .

اگر فقر و فلاکت ، بیکاری و در بدری امروز در جامعه ما بیداد میکند ، اگر امروز جنگ ، ظلم و زورگویی و اجاف بر کرده های خلق ما بیش از پیش فشار وارد می آورد اینها همه ناشی از وابستگی جامعه ما به امپریالیسم و بدان سبب است که امروز سیستم جهانی امپریالیسم در بحران شدیدی بسر میبرد ، در شرایطی که نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر ایران سرمایه داری وابسته به امپریالیسم میباشد و در شرایطی که امپریالیستها برای سرو سامان دادن به اقتصاد فلاکت زده

آن به حکومت پرداخته اند ، رژیم جمهوری اسلامی حافظ منافع امپریالیستها و سرمایه داران وابسته ایران ، در یک شرایط بحرانی است . و به همین دلیل نیز هست که این رژیم برای لاپوشانی چهره جنایتکار امپریالیسم و برای اینکه امپریالیسم ، این عامل تمام بدبختی ها و نابسامانی های جامعه ما را ، از دید توده های مبارز ایران پنهان نگاه دارد ، دست به فریبکاری بی سابقه ای زده و خود را ضامن

سرمایه داری وابسته و سرشکن شدن بحرانهای امپریالیستی بر جامعه ما ، زمینه های رشد و گسترش مبارزات خلقهاست ، این رژیم برای سرکوب و کنترل مبارزات آنان تحت پوشش اسلام و یا با مطلق ایدئولوژی اسلامی حتی در خصوصی ترین امور زندگی توده ها دخالت میکند و بخصوص بنام اسلام زنان را زیر شدیدترین فشارها قرار میدهد ، اقدامات ارتجاعی رژیم در مورد زنان علیرغم تمام توجیهات ایدئولوژیکی رژیم

هر چه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق ایران

شکنجه با نام به اصطلاح شرعی تعزیر ، اعتراف نموده و با وقاحت تمام کشتار فرزندان خلق را در زیر شکنجه یا با اصطلاح تعزیر در صورت مقاومت آنها در مقابل جلادان ، امری لازم و مجاز اعلام کردند و خلاصه سالهاست که فضای تور و اخشنای تمام و کمالی بر جامعه ما سایه گسترده و رژیم وابسته برای مقابله با جنبش

به آن دست زده اند . اگر رژیم منفور جمهوری اسلامی برای خاموش کردن مبارزات خلقهای ما در سالهای ۵۷ - ۵۶ بر موج این مبارزات سوار شد و اگر در ابتدا در حین سرکوب مبارزات کارگران و دهقانان ، در حین حمله به خلقهای عرب و ترک و ترکمن و کرد ، در حین بخون کشیدن صحن دانشگاهها و

نمونه بارزی است که دست این فریبکاران را در خدمت به امپریالیستها و سرمایه داران وابسته رومیکنند . اگر در شرایط بحرانی کارخانهها و موسسات تولیدی با اجبار تعطیل میشوند ، ویا کارگران بسیاری اخراج میگردند ، رژیم جمهوری اسلامی به این عنوان که بخاطر اسلامی بودنش ، مخالف کار تولیدی زنان میباشد زنان را از کارخانهها و موسسات مربوطه دیگر اخراج مینماید و تحت پوشش اسلام برای فاصله انداختن بین مردان و زنان که نیمی از جمعیت زحمتکش جامعه را تشکیل میدهند در اتحاد مبارزاتی آنان سنگ اندازی میکند .

خلاصه اگر یکایک عملکردهای ارتجاعی این رژیم را مورد بررسی قرار دهیم این حقیقت بیش از پیش عیان میگردد که رژیم جمهوری اسلامی نه بخاطر اسلامی بودنش بلکه درست بدلیل وابستگی اش به امپریالیستهاست که چنین شرایط دهشتناکی را در جامعه بوجود آورده است . اگر چه ، حکومت مذهبی یکی از ارتجاعیترین حکومتهای ممکنه در جهان بوده و بهمین دلیل هم شعار مرگ بر هر حکومت مذهبی شعار راستین و بحق خلقهای ما میباشد .

مطلب دیگری که در اینجا باید مختصرا خطاب به شما خلقهای قهرمان و شهنندگان مبارز بگوئیم در مورد مبارزه و مقاومت گسترده ای است که خلقهای ایران علیرغم همه دشواریهای شرایط کنونی

در سالهای اخیر بخصوص رشد مبارزات کارگری بسیار چشمگیر بود و این نقطه امید و بشارت بزرگی برای همه توده های ستمدیده ایرانست . چرا که طبقه کارگر رسالت رهبری انقلاب دمکراتیک و فدا امپریالیستی را بر عهده دارد و روند رشد یابنده و موفقیت آمیز انقلاب و پیروزی آن در دست طبقه کارگر این طبقه تا به آخر انقلابی است . خیزش این طبقه و مبارزات گسترده ای که کارگران قهرمان ما به آن دست میزنند ، پیام آور آنست که دیگر عمرا امپریالیسم و سگان زنجیریش در ایران سرآمده .

خلق ، برای کاشتن بذره های نابکار یاس و ناامیدی در دل توده ها بپر گونه شیوه ننگین و جنایت باری متوسل میشود . در اینجا پرسیدنی است که برآستی این همه تلاش مذبوحانه برای چیست ؟ آیا این فضای اختناق ، این کشت و کشتارها ، این اعدامها و شکنجه ها و زندانها انعکاس آن مقاومت و مبارزه گسترده در صحن جامعه و انعکاس آن روحیه مبارزه جویانه والادری توده های مانع است ؟ آیا توسل رژیم به وحشیانه ترین شیوه ها در مقابل مردم نشان نمیدهد که او سرگ خود را و نابودی سیستم ظالمانه سرمایه داری وابسته را در جلوی چشم خود میبیند ؟ واقعیت این است که مبارزه برعلیه امپریالیسم و سگان زنجیریش

بالاخره در حین تلاش برای از بین بردن آزادیهای سیاسی در جامعه خود را رژیم ملی و مردمی جلوه میداد ، پس از خرداد سال ۶۰ چهره جنایتکار و خونین خویش را بیش از پیش آشکار نمود و با چنان قساوتی به کشت و کشتار خلق و نیروهای مبارز پرداخت که نظیر آن در تاریخ معاصر ایران دیده نشده بود . در این دوره رژیم برخلاف گذشته نه فقط جنایات خود را از مردم کتمان نکرد بلکه درهمه جا و در پشت بلندگوها ، در رادیو و تلویزیون مصرا آنها را به نمایش گذاشت . اعدام کودکان و نوجوانان و زنان باردار در کنار مردان و زنان مبارزه امری عادی تبدیل شد و دژخیمان فاسد رژیم رسماً بوجود

موضع ما در قبال مسئله ملی در ایران بطور کلی و در کردستان بطور مشخص

از طرفی دیگر ملیتهای گوناگون ساکن این سرزمین برای رهایی از ستم ملی ای که در چارچوبه دولت واحد کنونی بر آنها وارد میشود، مبارزه میکنند. هرگونه برخوردی با مسئله ملی باید این دو جنبه متفاوت، اگر چه متقابل بهم پیوسته را، در نظر بگیرد.

مسئله ملی در ایران از همان آغاز، اساسا در رابطه با سلطه امپریالیستی مطرح شد زیرا این درست است که پیش از سلطه امپریالیسم نیز در محدوده یک دولت نسبتا متمرکز، اقوام و ملیتهای گوناگون زندگی میکردند ولی در آن زمان این دولت متمرکز به دلیل شرایط سیاسی و اقتصادی ویژه ای بر اساس نظام تولیدی فئودالی وجود آمده بود و رشد روابط بورژوازی و سرمایه داری در سطحی نبود که پیدایش ملتها را که حاصل رشد روابط سرمایه داری است، باعث شود. همانطور که روابط سرمایه داری در ایران اصولا در رابطه با امپریالیسم بسط و گسترش یافت، بهمانگونه نیز مسئله ملی در این رابطه پدید آمد. اگر مسئله ملی در رابطه با سلطه امپریالیستی وجود آمد، حل آن نیز به

مبارزه با امپریالیسم و درهم شکستن این سلطه وابسته است. اگر امپریالیسم ستم ملی را وسیله ای برای سرکوب خلقها و استثمار آنها قرار داده، مبارزه برای رهایی از ستم ملی نیز باید به جزئی جدائی ناپذیر از مبارزه ضدامپریالیستی تبدیل شود. همین امر است که مسئله ملی را در مبارزه ضدامپریالیستی کنونی ما از اهمیت ویژه برخوردار میکند. اگرچه مسئله ملی در مرحله کنونی مبارزات ضدامپریالیستی خلقهای ایران، بویژه در رابطه

... آنهائی که میخواهند به صورت، در شرایط وجود سلطه امپریالیسم و مناسبات امپریالیستی "ستم ملی" رافع کنند، در حقیقت کاری نمیکند جز اینکه جدا کثرت شکلی از این ستم ملی را با شکل دیگری از آن تعویض کنند. از اینجاست که ما همچنانکه در مورد ایران با الحاق طلبی امپریالیستی مخالفت میکنیم، با آن نیروهای جدائی طلبی نیز که در شرایط بقاء مناسبات امپریالیستی خواهان جدائی هستند، مخالفت میکنیم.

با خلق کرد مطرح شده است، ولی طرح و حل انقلابی این مسئله از لحاظ تمامی خلقهای ایران، برای انقلاب ما حائز اهمیتی اساسی است، بویژه که طیف وسیعی از نیروهای بورژوازی، از بورژوازی وابسته گرفته تا خرده بورژوازی دمکرات فعالان به تبلیغ نظرات انحرافی خویش در سطح جامعه مشغولند و ایدئولوژیهای گوناگون از

چگونه حزب دمکرات کردستان ایران اعلام میکنند که "تحقق طرح شورای ملی مقارنت در واقع تحقق خواسته های اساسی مردم کردستان است."*
از سوی دیگر کومه له و سایر نیروهای شرکت کننده در حزب کمونیست "بالاخره اعلام کرده اند که: "اکنون بعینه آشکار گشته است که جمهوری اسلامی در

پان اسلامیسیم گرفته تا مارکسیسم تحریف شده برای مخدوش کردن مسئله ملی در ایران بکار گرفته میشود. بویژه این روزها شاهد

* مجاهد شماره ۱۸۶ صفحه ۵
مصاحبه دبیرکل حزب دموکرات با صدای کردستان در تاریخ ۲۴/۲/۶۲

کردستان جایی برای خود در هیچ قشری از توده‌های خلق کردن ندارد. آشکارگشته است که جمهوری اسلامی در کردستان تماما یک رژیم اشغالگر است. " و از اینجا نتیجه میگیرند که "شاعرهای سراسری در این جنبش از فوریت عملی کمتری برخوردار گشته" است. و به این ترتیب نشان میدهند که نه حاضرند حل مسئله ملی را در رابطه با مبارزه طبقاتی در کردستان ببینند و نه آنرا بلافاصله در ارتباط با جنبش فدا مپریالیستی در ایران می بینند. در شرایطی که تنگ نظری خرده بورژوازی، درک کوتاه فکری خود را از مسئله ملی در درون صفوف خلق فعالان تبلیغ می کنند و بورژوازی وابسته به امپریالیسم نیز با تاکتیکهای گوناگون خود، از "وحدت اسلامی" و "وحدت ملی" گرفته تا "استقلال ملی" با حفظ وابستگی در مشوب کردن ذهن توده‌ها میکوشد، تشریح و تبلیغ نقطه نظر پرولتاریائی و برنامه او در مسئله ملی بخش مهمی از وظایف کمونیستها را تشکیل میدهد. نخستین گام جدی که برای تحلیل و تشریح نقطه نظر پرولتاریا و برنامه او در باب مسئله ملی در این مرحله اهمیت دارد، همانا زدودن ابهام از شعار اساسی "حق ملل در تعیین سرنوشت خود" و وسیع ترین تجلی این حق یعنی "حق جادادن" و نشان دادن حدود و ثغور مشخص و نتایج عملی ای

کارگر کمونیست شماره ۹

تیر / ۶۲

صفحه ۲

که از آن حامل میشود، میباشد. اگر اینکار صورت نگیرد و به تکرار بیروح و بی محتوای این شعار اکتفاء گردد، راه را برای نفوذ دشمن به صف انقلاب و به انحراف کشیدن آن باز گذاشته ایم. گاهی کسانی که روزی هزار بار این شعار را تکرار میکنند، مدعی می شوند که مثلا رفع ستم ملی در کردستان الزاما مستلزم خروج از دایره مناسبات سرمایه داری و امپریالیسم نیست. در نزد اینها که ستم ملی را زائیده همین "مناسبات" نمی بینند، شعار "حق تعیین سرنوشت" و "حق جدائی" بهیچوجه یک شعار انقلابی و دمکراتیک نیست. پس صرف عنوان کردن این شعار ماهیت طراح آنرا روشن نمی کند. باید دید که هر کس و یا هر نیروئی با چه برداشتی این شعار را عنوان میکند. برای کمونیستها در مسئله ملی، شعار "حق تعیین سرنوشت" و "حق جدائی" را تحقق بخشیم، باید برای "دمکراسی" مبارزه کنیم؛ زیرا تنها در یک دمکراسی است که آزاده توده های ملت های تحت ستم، امکان تجلی می یابد. برای دمکراسی باید ارتش و بوروکراسی امپریالیستی و مناسبات امپریالیستی را براندازیم. در اینجا است که شعار "حق تعیین سرنوشت" با تمام معنای انقلابیش خود را نشان میدهد و نشان میدهد که چگونه حل مسئله ملیتها و بطور کلی حل مسئله ملی بلافاصله و ناگزیر در خدمت انقلاب دمکراتیک و فدا مپریالیستی قرار دارد. آنها که گمان میکنند در شرایط وجود وابستگان و "جاش" سازان در کردستان توده های خلق کرد خواهند توانست "آزادانه" آزاده خود را بیان کنند و سرنوشت خود را تعیین نمایند، به

داریم . جنگی که بتدریج ماشین دولتی را تخریب میکند و احیاناً منطقه به منطقه مناسبات اقتصادی - اجتماعی وابسته را برمی چیند .

وقتی مسئله را بدین صورت مطرح کردیم ، یعنی وقتی مبارزه برای دمکراسی در جهت تحقق شعار "حق ملل در تعیین سرنوشت خود" و "حق جدائی" را با برانداختن سلطه سرمایه وابسته به امپریالیسم مستقیماً در ارتباط دیدیم و قبول کردیم که برای تحقق این امر جنگی طولانی در پیش داریم و چه بسا که منطقه به منطقه و سنگر در مدتی طولانی ایمن آزادی را کسب کنیم ، مسئله‌ای که برایمان مطرح میشود این است که در مناطقی که به نیروی انقلاب از چنگال قدرت امپریالیستی و مناسبات آن رها شده ، چه قدرت وجه مناسباتی را قرار دهیم تا هم برای پیشبرد جنگ انقلابی و رها بیخش وهم برای نیل به آزادی توده‌ها و خلقهای ایران بهترین زمینه را فراهم آورد . در اینجا است که میرسیم به پاسخ این مسئله که تا حد زیادی عناصر آن در خود مسئله وجود دارد . هر جا که مناسبات وابسته به امپریالیسم را بر میاندازیم ، باید مناسبات ملی و دمکراتیک را برقرار کنیم ، باید با یک انقلاب ارضی در روستاها بطور اطلاق نفوذ خان و ارباب و نزول خوار و سلف خروبا نکها و شرکتهای تعاونی امپریالیستی را براندازیم تا نیروی عظیم دهقانان با تمام

امکان تشکل ندارند ، پروسه انقلاب ، پروسه‌ای است طولانی که از همان گام نخست با توسل به قهر انقلابی در مقابل قهر ضد انقلابی به پیش می‌رود . تصور آنکه در شرایط اختناق و دیکتاتوری امپریالیستی، توده‌ها ، در جریان مبارزات مسالمت آمیز ، چنان تشکلی بیابند که با یک قیام ، ماشین دولتی و مناسبات امپریالیستی را جارو کنند ، تصوری است بوج و مسا دیدیم که چگونه قیامی بس

... آنها که گمان میکنند در شرایط وجود وابستگان و "جاش" سازان در کردستان توده‌های خلق کرد خواهند توانست آزادانه اراده خود را بیان کنند و سرنوشت خود را تعیین نمایند ، بنحوی به ایمن وابستگان وابسته‌اند . برای آماده کردن زمینه جهت تحقق شعار "حق تعیین سرنوشت" و "حق جدائی" باید پیش شرط آن یعنی محیط آزاد و شرایط دمکراتیک را بوجود آورد و در شرایط کشور ما محیط آزاد و شرایط دمکراتیک محیطی است که در آن ماشین دولتی وابسته به امپریالیسم و مناسبات اقتصادی - اجتماعی وابسته و بقایا و پس مانده‌های فئودالیسم از بین رفته باشد .

عظمت قیام بهمن ۵۷ به دلیل آنکه توده‌ها بدون سازماندهی و بدون آگاهی بر آنچه میخواهند جای وضع موجود بگذارند ، به میدان آمده بودند ، نتوانست سلطه امپریالیسم را از کشور براندازد و باز ما دیدیم که چگونه خلق کرد اکنون بیش از چهار سال است که ناچار است برای حفظ همان اندک آزادیهایی که در جریان این قیام بدست آورده بود ، مسلحانه مبارزه کند . پس برای ایجاد محیطی آزاد و دمکراتیک و برای آنکه ملت‌های تحت ستم بتوانند آزادانه اراده خود را بیان کنند ، جنگی طولانی در پیش

نحوی به ایمن وابستگان وابسته‌اند . برای آماده کردن زمینه جهت تحقق شعار "حق تعیین سرنوشت" و "حق جدائی" باید پیش شرط آن یعنی محیط آزاد و شرایط دمکراتیک را بوجود آورد . و در شرایط کشور ما محیط آزاد و شرایط دمکراتیک محیطی است که در آن ماشین دولتی وابسته به امپریالیسم و مناسبات اقتصادی - اجتماعی وابسته و بقایا و پس مانده‌های فئودالیسم از بین رفته باشد . پس محیط

آزاد و دمکراتیک یعنی انقلاب ارضی با تکیه بر دهقانان در روستاها و برانداختن سلطه امپریالیسم از صنعت و نظام پولی کشور . و لازمه اینها قبل از هر چیز درهم شکستن آن ماشین دولتی‌ای است که حافظ سلطه امپریالیسم در مناسبات اقتصادی - اجتماعی ایران است و ستون فقرات آنرا ارتش امپریالیستی تشکیل میدهد ، همانطور که مخصوصاً تجربه شش سال اخیر نشان میدهد و در کردستان به بهترین نحو دیدیم در شرایط اختناق و دیکتاتوری امپریالیستی که توده‌ها از طریق مسالمت آمیز

توان خویش آزاد شود، و پایه های جنگ انقلابی را استحکام بخشید. باید در شهرها با خلق بسند از سرمایه داری وابسته و سرمایه داران زالوصفت و رفع سلطه بوروکراسی از توده ها، نیروی عظیم توده ها را در جهت پیشبرد جنگ انقلابی امکان بسیج و سازماندهی داد. خلاصه در هر منطقه آزاد شده، هر چند هم که کوچک باشد و آن منطقه هر چند به مدت کوتاه در دست انقلاب باشد، تک تک کارگران و دهقانان و دیگر اقشار خلقی باید انقلاب را عملا حس کنند و ثمرات آنرا برای زندگی خود ببینند؛ تا هرگز وحتى اگر مناطق آزاد شده با ردیگر به تصرف دشمن درآمد، از انقلاب جدا نشوند.

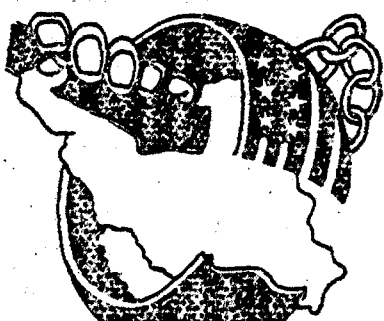
وقتی مسئله رابه این شکل فهمیدیم، میفهمیم که "حق تعیین سرنوشت" و "حق جدائی" در شرایط انقلاب ملی و دمکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران نه تنها یک شعار تهییجی و نه تنها یک زمینه تبلیغ بلکه بکارهنمای عمل در همین حال حاضر است. انقلاب ما، انقلابی است ضد امپریالیستی؛ کشور ما کشوری است نومستعمره و در دوران امپریالیسم، مسئله ملی و مسئله مستعمرات و کشورهای وابسته چنان بهم آمیخته اند که دیگر از یکدیگر قابل جدا کردن نیستند. آنهایی که میخواهند بهر صورت، در شرایط وجود سلطه امپریالیسم و مناسبات امپریالیستی "ستم ملی" را رفع کنند، در حقیقت کاری نمیکنند جز اینکه حداکثر شکلی از این ستم ملی را با شکل

دیگری از آن تعویض کنند. از اینجا است که ما همچنانکه در مورد ایران با الحاق طلبی امپریالیستی مخالفت میکنیم با آن نیروهای جدائی طلبی نیز که در شرایط بقاء مناسبات امپریالیستی خواهان جدائی هستند، مخالفت میکنیم.

در اینجا میرسیم به دومین خصوصیت شعار "حق ملل در تعیین سرنوشت خود" و "حق جدائی" در نزد کمونیستها که بدون تشریح آن و بدون نشان دادن نتایج عملی و برنامه های آن هنوز ابهام این شعار بطور کامل مرتفع نشده است؛ شعار "حق ملل در تعیین سرنوشت خود" اصلی صحیح و در هر حال لازم الاجراء را مطرح میکند. این درست است که صرفا وجود این شعار و تصریح این اصل هیچ سازمانی را از دادن برنامه مشخص در مورد مبارزات آزادیبخش ملت معینی بی نیاز نمیکند؛ ولی برنامه و نیروی هیچ سازمانی نیز برای این خلقها، هیچگونه تکلیفی ایجاد نمیکند. هیچ سازمان یا حزب کمونیستی نمیتواند حق ملل در تعیین سرنوشت خود را به تنهایی به عنوان برنامه خود، مثلا برای جنبش کنونی خلق کرد در ایران مطرح نماید، بلکه هر نیرو و سازمان کمونیستی باید بهر حال با تحلیلی که از شرایط عینی و ذهنی این جنبش ارائه میکند، نشان دهد که به نظر او این شعار واصل کلی به چه صورت مشخصی که متحقق شود، به بهترین نحو خواسته های توده های زحمتکش

این خلقها و در راس آنها طبقه کارگر را بر آورده میکند. ولی در عین حال هیچ برنامه ای نمیتواند اصل "حق ملل در تعیین سرنوشت خود" و لزوم فراهم کردن شرایط دمکراتیک برای تجلی اراده آزادانه توده های این ملیتها را انکار کند. مثلا وقتی یک سازمان کمونیستی در برنامه خود نوعی از خود مختاری را برای کردستان ارائه میکند، باید پیشاپیش اینرا تاکید کند که البته تصمیم نهائی را در مورد آینده کردستان، اراده آزاد توده های خلق کردخواهد گرفت. این سازمان کمونیستی میتواند برای برنامه خود مختاری خود تبلیغ کند ولی حق ندارد آنرا به توده ها تحمیل نماید. در مسئله ملی بهترین برنامه ها هرگاه با زور تحمیل شوند به بدترین آنها تبدیل میشوند. پس از اینجا نتیجه میگیریم که از نظر کمونیستها هیچ برنامه ای نزد هیچ نیروی نمیتواند جایگزین اصل "حق ملل در تعیین سرنوشت خود" گردد و یا بعبارت دقیقتر هیچ برنامه کمونیستی نمیتواند پیش از هر چیز حاوی این اصل نباشد. ما برنامه خود را تبلیغ میکنیم ولی سرانجام این اراده

بقیه در صفحه ۱۵



پیام چریکهای فدائی خلق ایران

بمناسبت ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه)

از صفحه ۱ روز جهانی کارگران

کارگران باکوله باری از تجارب مبارزاتی و با الهام از قهرمانیها و فداکاریهای کمونیستها و کارگران مبارز سراسر جهان چه در کشورهای متروپل و چه در کشورهای تحت سلطه که کارگران زیرشدیدترین و وحشیانهترین استثمار و سرکوب قرار دارند برای جهانی که باید فتح گردد به پیش میروند .

در ایران وابسته به امپریالیسم نیز طبقه کارگر بمثابه گودانی از ارتش جهانی کارگران در

سراسر جهان لحظه ای از مبارزه برای رسیدن به خواستهای خود از پای نایستادند و نه تنها با مبارزات قهرمانانه خود بورژوازی را مجبور ساختند که از مواضع مختلفی عقب نشینی نماید ، بلکه در این مسیر خونین انقلابات بزرگی را بر علیه نظم

زمانی انگلیس این اندیشمندی کبیر پرولتاریا در رابطه با اول ماه مه نوشت : " امروز پرولتاریای اروپا و آمریکا نیروهای رزمنده خود را که برای اولین بار بصورت ارتش واحدی در زیر پرچم واحد و بخاطر نزدیکترین هدف واحد گرد آمده است ، سان میبینند . این هدف عبارتست از قانونی کردن ۸ ساعت کار طبیعی روزانه که آنرا حتی در سال ۱۸۸۶ کنگره بین الملل در ژنو و سپس پس از دیگر کنگره کارگران پاریس در سال ۱۸۸۹ اعلام داشته است . منظره امروز به سرمایه داران و مالکین همه جهان نشان خواهد داد که پرولترهای همه کشورها اکنون واقعا متحد شده اند ."

هنگامی که در اول ماه مه ۱۸۹۰ فردریک انگلس رهبر کبیر کارگران این سطور را مینگاشت ، سالهای کمی از کشتار وحشیانه تظاهرات ۲۰ هزار کارگر قهرمان امریکائی در شهر شیکاگو بخاطر قانونی کردن ۸ ساعت کار روزانه میگذشت ، تظاهراتی که در طی آن دستگاه سرکوب بورژوازی زالسو مفت به وحشیانهترین شکلی به سرکوب کارگران پرداخته و آنها را با خاک و خون کشید . و حال یک قرن از تظاهرات اول ماه مه میگذرد . یک قونی که کارگران



چریک فدائی خلق
کارگر شهید جلیل انفرادی



چریک فدائی خلق
کارگر شهید ایرج سپهری

کشاکی دهها سال مبارزه با نظام موجود هر چه بیشتر آبدیده شده و خود را برای پیروزیهای بزرگ آینده آماده میسازد . طبقه ای که با توجه به موقعیتش در روابط اقتصادی موجود و با توجه به نقش او در مبارزه ضد امپریالیستی ، آماج حملات وحشیانه غارتگران بین المللی قرار گرفته است .

با استقرار سلطه امپریالیستی در کشور ما ، ایران به صحنه ای برای غارت و تاخت و تاز انحصارات جهانخواران بین المللی بدل شد و خلقهای تحت ستم و در راس آنها طبقه کارگر بعنوان یکی از مهمترین

کهن رهبری کردند . بعبارت دیگر اگر در اول ماه مه ۱۸۸۶ دهها هزار کارگر زن و مرد مبارز در اعتراض به شرایط سخت کار و ساعات نامحدود کار گرد آمده بودند تا با مبارزه بیکیرانه خود قانونی کردن ۸ ساعت کار روزانه را بر بورژوازی تحمیل نمایند ، حال یکصد سال پس از آن تظاهرات تاریخی ، کارگران سراسر جهان توانسته اند ، با اتحاد و همبستگی خود خواستهای هر چه بیشتری را بر بورژوازی تحمیل کنند و سنگرهای نوینی را فتح نمایند . یک قرن پس از ازل ماه مه ۱۸۸۶ ارتش جهانی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

منابع مافوق سود و کسب ارزش اضافی هدف یورش وسیع و سازمان یافته امپریالیستها و سگهای زنجیرش قرار گرفتند .

طی بیش از نیم قرن سلطه دیکتاتوری امپریالیستی کارگران ما باید بخوبی دریافته باشند که در حالیکه ستمی دوگانه و استثمار میماید، در همان حال در شرایط سلطه بورژوازی وابسته ارضیج حقوق باثباتی برخوردار نبوده

از آن برخوردارند و برای کارگران کشورهای تحت سلطه قائل نیستند. اگر کارگران در کشورهای متروپل علیرغم استثمار وحشیانه بورژوازی از آنان از حق داشتن اتحادیه، از حق اعتصاب و استفاده از بیمه های اجتماعی برخوردارند و اگر در هر حال میتوانند اول ماه مه روز جهانی کارگر را جشن بگیرند و اتحاد و همبستگی خود را بنمایش بگذارند، در اینجا زیر سلطه شوم سرنیزه هرگونه اعتراض

..... چریکهای فدائی خلق با تحلیل علمی این شرایط مطرح نمودند که طبقه کارگر در جریان مبارزه مسلحانه به آگاهی و شکل دست یافته و امکان بسط و گسترش مبارزات خود را می یابد.

و هیچ حقی برای آنان در شرایط دیکتاتوری بورژوازی وابسته از تعرض قدرت دولتی مصون نبوده و نیست. آنها به عینه دیده اند که امپریالیستها و بورژوازی وابسته به اشکال گوناگون زنجیرهای دست و پای آنها را محکمتر نموده و آنها را همواره بمنابا به پیگیرترین طبقه در انقلاب فدا امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران، آماج تعرضات و سرکوبهای خونین قرار میدهند. سالهای سیاه دیکتاتوری

امپریالیستی چه در زمان رضا شاه و چه در زمان محمدرضا شاه و چه اکنون در زیر سلطه شوم جمهوری اسلامی به کارگران ما نشان داده است که امپریالیستها و بورژوازی وابسته در کشورهای تحت سلطه ای نظیر ایران حتی به موازین و معیارهای شناخته شده بورژوازی نیز عمل نمی نمایند و حتی آن حداقل حقوقی که کارگران در کشورهای متروپل

خود جامعه عمل ببوشانند. ولی در ایران در شرایط بسی حقوقی کامل کارگران در شرایطی که بدلیل حاکمیت امپریالیستی و دیکتاتوری ناشی از آن هرخواست طبقه کارگر به وحشیانه ترین وجهی مورد سرکوب قرار گرفته و هر شکل مبارزاتی کارگران در همان آغاز متلاشی میگردد، اعتراضات طبقه کارگر خیلی زود بسط حوزه های سیاسی کشیده شده و مبارزه صنفی سریا به مبارزه سیاسی یعنی جهت برانداختن حاکمیت امپریالیستی تبدیل میگردد و این نه یک تضاد بلکه بخشی از قوانین حاکم بر حیثیات

و مبارزه کارگران در شرایط اجتماعی - اقتصادی ایران تحت سلطه است که بوسیله تشنوری مبارزه مسلحانه تبیین گشته و در واقعیت مبارزاتی صحت خود را بارها به اثبات رسانده است. با توجه به این شرایط اقتصادی اجتماعی، چریکهای فدائی خلق با تحلیل علمی این شرایط مطرح نمودند که طبقه کارگر در جریان مبارزه مسلحانه به آگاهی و شکل دست یافته و امکان بسط و گسترش مبارزات خود را می یابد. با آغاز مبارزه مسلحانه توسط انقلابیون کمونیست یعنی چریکهای فدائی خلق و نخستین بازتابها و نتایج آن، چه از زاویه شکست قدر قدرتی رژیم وابسته به امپریالیسم در اذهان توده ها و چه از زاویه بطولان شیوه های کهنه و تسلیم طلبانه مبارزه، جویی اعتمادی بسط پیشاهنگ سرعت تغییر کرده و جنبش توده های تحت ستم و طبقه

و حرکتی بطور وحشیانه سرکوب میگردد و هرگونه تشکلی ددمنشانه نایب میگردد و کارگران نه تنها از حق برگزاری آزادانه روز جهانی خود برخوردار نیستند بلکه خود روز کارگر نیز بوسیله ای برای غارت و سرکوب کارگران تبدیل میشود. بهمین دلیل است که در کشورهای تحت سلطه مسئله بردن آگاهی به میان کارگران و متشکل کردن طبقه کارگر در ارگانهای طبقاتی خود برای تحقق خواسته های طبقاتی پروسه ای متفاوت از جوامعی که شرایط دمکراتیک بورژوازی در آنجا حاکم است را طلب میکنند و مسیر دیگری را طی می نماید. در چنان جوامعی کارگران به اعتبار مبارزات تاریخی خود شرایطی که در آن قرار گرفته اند میتوانند در جهت خواسته های صنفی خود بسط مبارزه برخیزند و در شرایط دمکراتیک موجود که لازمه مبارزه صنفی است به بخشی از خواسته های

کارگر دستخوش دگرگونیهایی بسیاری شد. با جاری شدن مبارزه مسلحانه در جامعه و اعلام موجودیت سازمان سیاسی - نظامی طبقه کارگر از انقلابیون حرفه‌ای و مسلح، تمام پدیده‌های موجود از جمله مبارزات و حرکات آندوره کارگران مانع شدیداً تحت تاثیر این مبارزات قرار گرفت، ارتقاء یافت و پرمایه شد. در نتیجه بسیاری از کارگران آگاه و مبارز نیز به صفوف مبارزه مسلحانه پیوستند و نخستین شالوده‌های ارتباط طبقه خویش با جنبش مسلحانه را بعنوان تنها راه پیروزی پایه ریزی نمودند. توسعه مبارزه مسلحانه و تاثیرات این مبارزه بر جامعه در بطن شدت یابی بحران در سالهای دهه ۵۰ باعث تعمیق و گسترش جنبش توده‌ای گشت. جنبشی که تغییراتی ریشه‌ای را در نظام موجود طلب می نمود و در روزه رشدش بقای آنرا بصورت سابق ناممکن ساخت و بویژه مبارزات طبقه کارگر در اشکال گوناگونش در این میان نقشی مهم یافت در چنین اوضاعی بود که امپریالیستها که میدیدند جزیره ثبات و آرامش آنها دستخوش طوفان گشته است، دست به کار یکی از محیلانه‌ترین سیاستهای نواستعماری شده و با تغییر آرایش مهره‌ها ایشان دست به پارگیری جدیدی زدند تا خود

را برای یورش همه جانبه‌ای به دستاوردهای مبارزات خلقهای ما طبقه کارگر قهرمانان آماده سازند. شاه مزدور سقوط کرد اما بورژوازی وابسته و نظمی امپریالیستی حاکم با تمامی ضرباتی که خورده بود پابرجا ماند. ضرباتی که نقش و جای پای کارگران مبارز ایران در آنها بخوبی هویدا بود. در بطن شرایط هرج و مرج بوجود آمده، کارگران مبارز مادر نقطه که توانستند دست

به سازماندهی خود زدند تا بتوانند به نقش خود در جنبش توده‌ای بر علیه امپریالیسم و وابستگانش عمل نمایند. برای مثال میتوان از اعتماد یکپارچه و قهرمانانه کارگران نفت نام برد که در جریان مبارزات سال ۵۷ کمروزییم ضد خلقی را شکست و نقش طبقه کارگر را بخوبی آشکار ساخت. این مبارزات که خود حاصل تجربیاتی گرانقدر بسوی طبقه کارگرماست بخوبی نشان داد که در روند مبارزه تا زمانیکه طبقه کارگر ایران همگام با سازماندهی و رهبری مبارزات



کارگران سراسر جهان متحد شوید

چریک فدائی خلق
کارگر شهید یوسف زرکار

سرمایه داران بودمورد استفاده قرار میگرفت و نیروهای سرکوب رژیم بمثابة عامل اجرای آن هر لحظه به خدمت گرفته میشد تا با سرکوب عریان و وحشیانه اعتراضات کارگران، رژیم توانائی تحقق اهداف ارتجاعی خود را در این بخش از جامعه بدست آورد و بالاخره این رژیم تبهکار با کوشش در جهت تصویب قانون ارتجاعی کار واقعیت فدکارگری خود را هرچه عریان تر ساخت. سیاهی کارنامه عملکرد های این سگسان

و با استفاده از انواع حیله و شیوه های ضد خلقی دیگر در نخستین گامهای خود کوشید که با پیگیری و سرکوب شبیح سرخی که میرفت نقش واقعی خود را در پیشه کن کردن سیستم سرمایه داری وابسته ایران هرچه بیشتر آشکار نماید، جنبش ضد امپریالیستی توده ها را از عناصر رادیکال و کارگری تهی سازد و به همین دلیل بود که همانطور که انقلاب را بنام انقلاب سرکوب می نمود کارگران را نیز بنام

سایر اقشار خلق، خود را نیز به مثابه یک طبقه مستقل در اشکال موثر و مشخص سازماندهی نکند، نخواهد توانست رهبری مبارزه را در دست گرفته و تغییرات اساسی در نظم امپریالیستی موجود بوجود آورد و نمی تواند نقش واقعی خود را در رهبری انقلاب بعنوان پیگیرترین طبقه اجتماعی ایفاء نماید.

متأسفانه با توجه به نفوذ اپورتونیزم در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و در نتیجه در غیاب سازمان قدرتمند کمونیستی، این ایده ها و روشهای اپورتونیستی بود که در سالهای قیام و یکی دو سال بعد از آن عمدتاً در بین کارگران رواج یافت و در نتیجه کمونیستهای راستین نتوانستند از فرصت کم نظیری که بدست آمده بود، استفاده کرده و ضمن سازماندهی واقعی طبقه کارگر، این طبقه را برای ایفاء نقش رهبری کننده اش در انقلاب و گسترش انقلاب هرچه بیشتر آماده سازند. هرچو مرج بوجود آمده در سیستم امپریالیستی دیکتوری نشاید و ضد انقلاب حاکم که بر موج جنبش توده های سوار شده بود پورش همه جانبه و وحشیانه ای را بمواضع از دست رفته آغاز نمود و بالطبع در صدر این برنامه طبقه کارگر ایران قرار داشت که آماج حمله قرار میگرفت.

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که به حق باید آنرا یکی از عوامل فریب ترین حکومتهای ضد خلقی معاصر تلقی نمود با استفاده از سلاح عوامل فریبی

سالهای سیاه دیکتاتور امپریالیستی چه در زمان رضاشاه و چه در زمان محمدرضاشاه و چه اکنون در زیر سلطه شوم جمهوسوی اسلامی به کارگران ما نشان داده است که امپریالیستها و بورژوازی وابسته در کشورهای تحت سلطه ای نظیر ایران حتی به موازین و معیارهای شناخته شده بورژوازی نیز عمل نمی نمایند و حتی آن حداقل حقوقی که کارگران در کشورهای متروپل از آن برخوردارند را برای کارگران کشورهای تحت سلطه قائل نیستند.

زنجیری امپریالیسم در مورد اقدامات فدکارگری تا به حدان درجه است که آنها حتی شاه خاشن را نیز با آنهمه سیاستهای فدکارگریش روسفید کردند و بیشتر مانع زنجیرهای اسارت گرانتری را بدست و پای کارگران ما بسته اند.

رشد ارتش بیکاران به ۴/۵ میلیون نفر آنهم بیکارانی که فاقد هرگونه حق و حقوقی میباشد و در شرایط فلاکت بار کنونی با بدبختترین شکلی امرار معاش نمایند، ثابت نگاه داشتن حداقل دستمزدها در شرایط رشد فاساد و گسیخته قیمتها و سرکوب هرگونه شکل کارگری در کنار سازمان دادن ارگانهای

حمایت از مستضعفان سرکوب میکند و در عین حال که با ثریا ده های حساب شده "خدا" را هم "کارگر" جا میزند و می کوشید تا با توسل به جهان بینی ارتجاعی خود اینطور وانمود سازد که برای کارگر هم در حد خدا ارزش قائل است. اما در واقعیت با حواله دادن موجودیت عینی طبقه کارگر به آسمان ها و کوشش در جهت تغییر نام کارگر به مزد بگیر حتی هر بیست کارگران را انکار می نمود و تمام می توانی که در آنها امتیازی برای کارگران قائل تصور بود تحت نام قسوانیستین آریامهری لغو شد. در حالیکه هرچه در قوانین فدکارگری آریامهری به نفع

سرکوبی چون انجمنها و شوراهای اسلامی کارگری و صدها جنایت دیگر کارنامه رژیم است که برای حفظ نظام سرمایه‌داری وابسته در ایران از هیچ جنایت و ذالتی کوتاه نمی‌نماید. اما باید در نظر داشت که کارگران ما در این شرایط حساس می‌بایست درد و جبهه با دشمنان خود بجنگند. گذشته از جمهوری اسلامی ضد خلقی بمثابه سگ زنجیری امپریالیسم و دولت سرمایه‌داران وابسته که بعنوان دشمن آشکار توده‌ها و طبقه کارگر به چنین عملکردهایی در جهت سرکوب آنان دست می‌یازید، دشمنان نهانی این طبقه که عبارت از مثنی فرصت طلب و



زند و به بهانه "مدا امپریالیست" بودن مزدوران امپریالیسم، کارگران را تشویق به تولید بیشتر برای تنویر جنگ امپریالیستی کردند. و آنها را در جریان مضحکه

دو ایران وابسته به امپریالیسم نیز طبقه کارگر بمثابه گردانی از ارتش جهانی کارگران در کشاکش دهها سال مبارزه با نظام موجود هرچه بیشتر آبدیده شده و خود را برای پیروزیهای بزرگ آینده آماده میسازد.

اپورتونیست کارگر نما میباشند، نیز در خلق سلاح کارگران و فرستادن آنان به مسلخ رژیم جدید و نظم موجود نقش مهمی را ایفاء کرده‌اند. زمانی اسلاف آنها یعنی حزب توده با خیانت آشکار طبقه کارگر را به همراه سایر بخشهای خلق در مقابل امپریالیسم و مزدوران آنها قربانی نمود. آیا در شرایط پس از قیام اخلاف شایسته او که هر یک با نام و نشان عاریتی و جدید و با ادعای رهبری طبقه کارگر، در جنبش ظاهر شدند با عملکردهای خویش کمتر از حزب توده به جنبش طبقه کارگر ضربه وارد ساختند؟ فرصت طلبانی که همگام با رژیم جدید برای اقدامات ضد کارگری رژیم کسف

چکمه‌لیس اکثریتی تبدیل شدند، اما هنوز هم ما با طیف رنگارنگی از اپورتونیستها روبرو هستیم. اپورتونیستهایی که نشان داده‌اند که نه از گذشته و نه از واقعیات موجود چیزی نیاموخته‌اند. اگر توهمات و رویاهای بسیاری از آنان در مورد "رژیم ضد امپریالیست" و "دفاع از میهن" و تشویق کارگران به "اضافه تولید" برای سرمایه‌داران اکنون دیگر خریداری ندارد، نباید تصور کرد که این فرصت طلبان امروز بیکار رنشته‌اند. نه، آنها همچنان در شرایط بحران انقلابی موجود بر همان روشهای کهنه و اپورتونیستی خود نسبت به طبقه کارگر مصرند و میکوشند که با ردیگر با مشغول کردن ذهن کارگران به اشکال سازمانی غیر عملی همچون "مجامع عمومی"، "سندیکاها" و "اتحادیه‌های سرخ" کارخانه‌ها، کارگران را از کوشش در جهت ایجاد تشکلهای واقعی و موثر خود باز دارند و در بهترین حالت طبقه کارگر را در پشت سد از خورده کاری متوقف سازند. اینها شمای هر چه

سفارت به حمایت از رژیم فریبکار به جلوی سفارت کشاندند و غیره. اپورتونیستهای رنگارنگی که با حمله به تئوری انقلابی کارگران میکوشیدند با خلق طبقه کارگر آنها را به زائده طبقات دیگر تبدیل نمایند. بالاخره نیز ما هیت فریادهای "دلسوزانه" و "پرولتاریائی" خود را مبنی بر ضرورت "سازماندهی" و "تشکیل" طبقه کارگر با کوشش در جهت متلاشی کردن سازمان سیاسی - نظامی این طبقه و نشان دادن بیعملی خود در امر سازماندهی طبقه کارگر کاملاً به قضاوت همگان گذاشتند. اگر بخشی از اپورتونیستها در جریان حرکت خود به جانبان



چریک فدائی خلق کارگر
شهید حسن نوروزی

کارگران ماسنگینی میکنند . رژیم از کارگران به اشکال مختلف اخاذی کرده و اندک دستمزد آنان را برای تامین هزینه‌های ماشین جنگی خود به بیغما میبرد . با اعزام کارگران به جبهه‌های جنگ ، بوسیله ارباب و تهذیب به اخراج و توسل به شوهرهای ردیلانه دیگر کارگران را گوشه‌دم توپ می‌نماید . مجبور کردن کارگران به تولید هرچه بیشتر و افزایش ساعات کار آنان ، حذف و پایمالی اندک حقوق منفسی و رفاهی کارگران که همگی به بهانه جنگ صورت میگیرد گوشه‌ای از سازماندهی با برنامه یورش به حقوق طبقه کارگر و سرکوب وحشیانه اوست .

جمهوری اسلامی وقیحانه کار را به آنجا رسانده است که تصمیم دارد امسال بمناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر ، یک روز از حقوق اندک کارگران را به جیب بزند و درصد قابل توجهی از کارگران را با زهم به مسلخ جنگ امپریالیستی روانه سازد ، تا آتش جنگ ارتجاعی کنونی را به حساب جیب کارگران همچنان گرم نگه‌دارد . این اعمال هر چند چهره فداخلقی و جنایتکار رژیم را بیش از پیش آشکار میکند ، در عین حال گویای عجز و زبونی رژیم است که در چنبره بحرانهای اقتصادی و سیاسی دست و پا میزند . به خصوص که بحران انقلابی در جامعه مارش یافت و به اشکال گوناگون خود را آشکار می‌سازد و با اینکه رژیم به هروسیله‌ای برای سرکوب توده‌ها متوسل شده است ،

بقیه در صفحه ۲۱

سرکوب همه جانبه تمامی اقشار و طبقات تحت ستم و بخصوص طبقه کارگر نشان داده است که نسه می‌خواهد و نه میتواند کوچکترین گامی در جهت حل مسائل توده‌ها بردارد و هر روز که میگذرد چهره خود را وحشی‌تر و درنده‌خوتر از هر زمان بنمایش میگذارد . بحران اقتصادی تعمیق یافته امپریالیستی که بیشترین فشار را بر دوش کارگران متمرکز کرده

مختصر از برخی تجاربی است که کارگران مدارسهای اخیر بارها آنرا تجربه نموده‌اند و بدون شک در امر سازماندهی صحیح طبقه کارگر بکار می‌آیند ، امری که باید با در نظر داشتن تمامی واقعیات اجتماعی و اقتصادی ای که این طبقه در بطن آن کار و مبارزه میکند و تجاربی که این طبقه در بستر حرکت خود در این شرایط به آنها دست یافته است ، متحقق گردد .



کارگران آگاه و انقلابی!

آنچنان شرایط فلاکت‌باری را بوجود آورده که توده‌ها را از تامل منهدم حد اقل معاش خود عاجز گرداننده است . و این در شرایطی است که جمهوری اسلامی در اجرای سیاستهای امپریالیسم در منطقه ، ایران را به صحنه جنگی امپریالیستی با عراق تبدیل کرده است . جنگی که هر چه میگذرد اثرات مخرب و نابودکننده خود را بیشتر متجلی می‌سازد . فشار جنگ امپریالیستی ایران و عراق بیش از پیش برگرده

امروز در شرایطی به پیشواز اول ماه مه روز جهانی کارگر می‌رویم که تمامی توده‌های ستمدیده و زحمتکش و کارگرما در شرایط بس دشواری قرار دارند . رژیم ارتجاعی و ضدخلقی حاکم در طی بیش از ۷ سال حکومت منحوس خود با غارت منابع اقتصادی ایران و پرکردن جیب اربابان امپریالیستش و به موازات آن با

موضع ما در قبال مسئله ملی در ایران بطور کلی و در کردستان بطور مشخص

از صفحه ۸

آزاد توده‌های ملت تحت ستیم است که آینده این ملت را تعیین میکند. از این امریک نتیجه دیگر نیز گرفته میشود و آن این است که ما بدون تردید و بدون وارد شدن به محتوای آن، هر برنامه‌ای را که حاوی این اصل نباشد، رد میکنیم و بسا آن فعالان به مبارزه برمیخیزیم و طراحان آنرا بعنوان قلدرهای احتمالی آینده به مردم معرفی مینمائیم. ما به هیچکس اجازه نمیدهیم برنامه خود را بجای اصل "حق تعیین سرنوشت" و "حق جدائی" بگذارد. مثلا مادر حالیکه خود، شعار خودمختاری را برای کردستان میدهم، میتوانیم با هرنیزوی دیگری که شعار استقلال بدهد، همکاری مبارزاتی داشته باشیم بشرط آنکه آن نیرو نیز حق خلق کرد را در تعیین سرنوشت خود از پیش پذیرفته باشد.

ولی اگر ما کمونیستها اصل "حق ملل در تعیین سرنوشت خود" و "حق جدائی" را به پیگیرترین نحو یعنی همراه با دمکراسی

واقعی جهت تجلی اراده آزاد توده‌ها در این زمینه اعلام میکنیم، ولی در عین حال ما خواهان پیوستگی و اتحاد آزادانه ملتها و وحدت پرولتاریا در چهارچوب دولتهای بزرگ واحد هستیم. پس نزد ما اغلب خواست الحاق آزادانه، خواست آزادی جدائی را تکمیل میکند. ما هوشیارانه مراقب آن هستیم که بورژوازی با استفاده از شعار "حق ملل در تعیین سرنوشت خود" با ایجاد دولتهای کوچک، ملتها و مخصوصا پرولتاریای این ملتها را از یکدیگر جدا نگه ندارد. بهمین جهت است که ضمن مبارزه برای

از تفاهت در شرایط اقتصادی در مناطق مختلف لزوم خودمختاریهای محلی برای آنکه زمینه رشد و تکامل اقتصادی و اجتماعی هرچه سریعتر فراهم گردد، نتیجه میشود. و چون در اکثر مناطق این تنوع اقتصادی با تنوع ملیتها

برای درهم شکستن دیکتاتوری امپریالیستی و برانداختن مناسبات اجتماعی وابسته، همانطور که خلق کرد بیش از ۴ سال است با تجربه خود آنرا درک میکنند، تنها راه یک جنگ توده‌ای طولانی است.

تحقق شعار "حق جدائی" فواید الحاقی و طلبانه را بجزای توده‌های ملتهای ازبند رسته توضیح میدهم.

اکنون میتوانیم به اصولی که بر طرح برنامه مادر مسئله ملی حاکم است، بپردازیم. ما برنامه خود را در این زمینه بر اساس تحلیل شرایط عینی قرار میدهم: وضعیت اقتصادی و فرهنگی بهترین معیارهایی است که بما کمک میکند تا طرح کلی برنامه خود را تعیین نمائیم.

همراه است، معمولا حدود مناطق خودمختار را میتوان با معیار ملی تعیین کرد.

وقتی معیار ملی در نظر گرفته شد، بلافاصله میتوان به اصول برنامه‌های مشخصی اشاره کرد که بدون تردید میتوان برای تمام ملتهای ساکن ایران خواستار شد. حق استفاده آزاد از زبان ملی، داشتن مدارس و موسسات فرهنگی، ادارات و دادگاهها با زبان ملی، حق استفاده و رعایت آزاده عادات و

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم و قرین فایده‌ایر خلقهاست

سنتهای ملی و غیره و غیره. همه اینها را میتوان و باید برای همه ملت‌های ساکن ایران خواستار شد.

میتوان و باید تساوی همه ملت‌ها و الغاء امتیازات ملتی بر ملتی دیگر را خواستار شد و در راه آن مبارزه کرد. میتوان و باید الغاء هرگونه امتیاز فرهنگ و مذهب ملتی را بر فرهنگ و مذهب دیگری خواستار شد و در راه آن مبارزه کرد.

اما یک برنامه ملی علاوه بر این خواسته‌های عام باید با تحلیل مشخص اوضاع، نظام اداری و حکومتی مشخصی را ارائه کند.

مثلا ما در مورد کردستان ضمن آنکه قبول میکنیم که خلق کرد باید از "حق جدائی" و اراده آزاد برای استفاده از این حق برخوردار باشد و ضمن آنکه اینرا اعلام میکنیم که این آزادی برای خلق کرد با برقراری دمکراسی (جمهوری دمکراتیک خلق) در ایران ارتباطی ناکستنی دارد، و ضمن آنکه میکوشیم در چنان شرایطی مصلحت خلق کرد و در راه آن مصلحت پرولتار یای کردستان در اتحاد با سایر خلقهای ایران در چهارچوب یک دولت دمکراتیک واحد است، ضمن آنکه برای خلق کرد نیز مانند دیگر خلقهای ساکن ایران حق استفاده کامل از زبان ملی در مدارس، ادارات و دادگاهها را

میشناسیم، ضمن آنکه خلق کرد را با تمام خلقهای دیگر ایران از هر لحاظ مساوی میدانیم باز به دلیل آنکه منطقه کردنشین در ایران از نوعی وحدت اقتصادی برخوردار است که در دیگر مناطق همجواری آن وجود ندارد و همچنین خلق کرد از زبان واحد و عادات و فرهنگ نسبتا واحد و تاریخی مشترک برخوردار است، بهترین شکل اداره کردستان را در چهارچوب ایرانی دمکراتیک نوعی حکومت خودمختار میدانیم که در آن صرفنظر از اموری کلی نظیر سیاست

و اقتصاد خارجی، امور دفاعی، پول رایج کشور و برنامه‌های اقتصادی سراسری سایر امور برعهده ارگانهای خودمختار ملتی میباشد. ولی در عین حال کمک همه جانبه و پیگیری دولت مرکزی و دیگر خلقهای ساکن ایران را برای خلق کرد، جهت فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی خود ضروری و لازم میدانیم.

اگر همه این نکات را بخواهیم در یک طرح کلی خلاصه کنیم، موضع ما در قبال جنبش خلق کرد به این صورت درمیآید:

۱- ما برای خلق کرد حق تعیین سرنوشت و حق جدائی قائلیم.

۲- برای تحقق حق تعیین سرنوشت و حق جدائی برای خلق کرد شرایط دمکراتیک جهت بیان اراده آزاد توده‌های خلق کرد لازم است.

۳- برای ایجاد شرایط دمکراتیک مطمئن جهت تجلی اراده خلق کرد در تعیین سرنوشت خود، در هم شکستن قدرت دیکتاتور امپریالیستی و مناسبات اجتماعی وابسته نه تنها در کردستان بلکه در سراسر ایران لازم است.

۴- برای در هم شکستن دیکتاتور امپریالیستی و برانداختن مناسبات اجتماعی وابسته، همانطور که خلق کرد بیش از چهار سال است با تجربه خود آنرا درک میکند تنها راه یک جنگ توده‌ای طولانی است.

۵- به نسبت آنکه سرزمین کردستان از وجود نیروهای سرکوبگر امپریالیستی پاک میشود، باید برانداختن مناسبات کهن و برقراری قدرت توده‌ای بر اساس روابط دمکراتیک نوین، نطفه‌های حکومت خودمختار آینده کردستان را بصورت دیکتاتور دمکراتیک کارگران و دهقانان کردستان ریخت.

۶- در چهارچوب جمهوری دمکراتیک خلق در ایران صرفنظر از سیاست و اقتصاد خارجی، امور دفاعی، پول رایج و طرحهای اقتصادی و اجتماعی سراسری، سایر امور در اختیار ارگانهای خودمختار ملتی هستند.

۷- حفظ انتظامات در داخل کردستان مطلقا و حفظ مرزهای کشور در ناحیه کردستان حتی الامکان

پیش بسوی ایجاد فرماندهی مشترک
در جنبش خلق کرد!

میروند که با نابودی امپریالیسم در بخشهای از جهان ، نظام امپریالیستی را هر چه بیشتر به سمت سرنوشت محتوم خود یعنی نابودی قطعی سوق دهد. بخصوس که ما امروز در قریب به اتفاق جوامع زیر سلطه امپریالیسم و حتی در کشورهای متروپل شاهد اوگیری مبارزه طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده آن جوامع هستیم . در فیلیپین ، هائیتی ، السایوادر ، پرو ، کلمبیا ، پاکستان و غیره .

سالهای پر رنج و مشقت اخیر در عین حال سالهای تقابل خط مشی انقلابی با خط مشی اپورتونیستی بوده است . تقابل بین خط مشی چریکهای فدائی خلق با خط مشی اپورتونیستهای رنگارنگ ، چه آنها که مودبانه بدون سازمان ماخریده و سپس با انشعابی به اقلیت و اکثریت تقسیم شدند و چه آنهاست که در بیرون حمله به چریکهای فدائی خلق و تئوری ظفر نون آنان را در صدر برنامه خود قرار دادند .

ضربات اینان بر چریکهای فدائی خلق در سالهای اخیر ضربات بزرگی بود ، ولی چه باک که سیر پر خروش انقلاب در پیچ و خمهای بسیارش امروز حقایق بی شماری را آشکار ساخته است .

چریکهای فدائی خلق از همان ابتدای استقرار رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی با اعلام وابستگی این رژیم به امپریالیسم در هر رویداد و مسئله اجتماعی به اتخاذ موضع انقلابی دست زدند و با همه توان خود کوشیدند تا با ارتقاء

در رابطه بین دولت مرکزی و ارگانهای خودمختار رسمیت دارد و در مدارس کردستان در کنار زبان کردی تدریس میشود .

با ایمان به پیروزی راهمان چریکهای فدائی خلق ایران اسفندماه سال ۱۳۴۲

برعهده خود خلق کرد است که از طریق تشکیلات و نیروهای مسلحی که در جنگ انقلابی شرکت داشته اند، نیروی لازم را تحت اداره حکومت خودمختار خود، سازمان میدهند. ۸- زبان کردی زبان رسمی مدارس ، ادارات و دادگاههای کردستان میباشد . زبان فارسی

پیام چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت آغاز برنامه اصلی رادیو چریکهای فدائی خلق ایران

از صفحه ۴

خیزش این طبقه و مبارزات گسترده ای که کارگران طهران ما به آن دست میزنند ، پیام آور آنست که دیگر عمرا امپریالیسم و سگسان زنجیرش در ایران بسرآمده . بیهوده نیست که امروز رژیم بیشترین فشارها را برگزیده کارگران وارد ساخته و با تشکیل انجمنهای اسلامی و گسترش تور پلیسی در کارخانجات و به انواع اقسام حیل میکوشد از شکل گیری تشکلهای کارگری و رشد مبارزات آنان جلوگیری نماید .

بطور کلی بحران امپریالیستی با تمام رنج و مشقتی که برای خلقهای تحت ستم بوجود آورده است ، به اعتبار نقش مبارزات گذشته خلقهایمان و به اعتبار آگاهی انقلابی وسیع در میان آنان باعث ایجاد و گسترش بحران انقلابی در جامعه گشته است .

بحرانی که انقلاب را در خود بارور ساخته ، پاسخ انقلابی میطلبد و ما ایمان داریم که رشد مبارزات فدا امپریالیستی در ایران و کشورهای نظیر ایران

علیرغم تمام سرکوبها و شکنجه های رژیم ادامه دارد . همین چند روز پیش بود که مردم طهران سنج خیا با نهایی این شهر را صحنه مبارزات پر شور خویش نمودند و چند روز متوالی به تظاهرات و به دوگیری با پاسداران ضد خلقی پرداختند . تداوم مبارزات پیشمرگان خلق کرد ، مبارزه مسلحانه ای که در شهرهای ایران جریان دارد ، مبارزات پراکنده اما گسترده توده های مردم در اقصی نقاط جامعه مان همگی بیانگر حد بالای پتانسیل انقلابی در خلقهای ماست . در سالهای اخیر بخصوس رشد مبارزات کارگری بسیار چشمگیر بود و این نقطه امید و بضارت بزرگی برای همه توده های ستمدیده ایرانست . چرا که طبقه کارگر رسالت رهبری انقلاب دمکراتیک و فدا امپریالیستی را برعهده دارد و روند روشند با بنده و موفقیت آمیز انقلاب و پیروزی آن در دست طبقه کارگر این طبقه تا به آخر انقلابی است .

..... حکومت مذهبی یکی از ارتجاعیترین حکومتهای ممکنه در جهان بوده و بهمین دلیل هم شعار مرگ بر حکومت مذهبی شعار راستین و بحق خلقهای ما میباشد.

تفاذهای درونی خویش در بدترین شرایط بصرمبیرد جای یک رهبری قدرتمند انقلابی خالی است. اگر باید انقلاب رشد کند، اگر باید خلقهای ایران در اتحاد مبارزاتی با یکدیگر بطور یکپارچه در مقابل دشمنان صف آرایی نموده و مبارزات خود را به پیش ببرند، جنبش ما نیازمند یک رهبری قدرتمند کمونیستی است و برای این منظور راهی جز کوشش در جهت متحقق ساختن تئوری مبارزه مسلحانه بعنوان تنها تئوری انقلابی پرولتاریا وجود ندارد. چریکهای فدائی خلق با تمام توان خود در این جهت پیش میروند، آنها موظفند و باید که بتوانند با پیگیری و خستگی ناپذیری و با فداکاری و جانبازی که لازمه وجودی یک کمونیست در میهن ماست، گامهای هرچه موثرتری در این راه بردارند.

در سالهای پرجوش و خروش اخیر، ما با سازماندهی هسته‌های سیاسی - نظامی در شهرها در جهت گسترش مبارزه مسلحانه کوشیده‌ایم و در این مسیر خون رفقای گرانقدری چون رفیق مبرهادی کابلی به پای نهال انقلاب جاری شده است. همچنین تا آنجا که در توانمان

با دانشجویان خط امام بسط با یکویی برخاستند و از مبارزات با صلاح ضدامپریالیستی "امام" و داردسته‌اش به شوق آمده و به توهم پراکنی پرداختند. در جریان جنگ امپریالیستی ایران و عراق زیر شعار ارتجاعی "دفاع از میهن" "دفاع از جمهوری اسلامی" پرداختند و خلاصه در هر گره‌گاه و در رابطه با هر مسئله اجتماعی به ناپیکاریهای زیادی دست زدند و ناسف‌آورتر آنکه این جریان‌ها هنوز هم از اشتباهات خود درس نگرفته و علیرغم شکست

آیا این فضای اختناق، این کشت و کشتارها، این اعدامها و شکنجه‌ها و زندانها انعکاس آن مقاومت و مبارزه گسترده در محن جامعه و انعکاس آن روحیه مبارزه جویانه و الا در توده‌های ما نیست؟ آیا توسل رژیم به وحشیانه‌ترین شیوه‌ها در مقابل مردم نشان نمیدهد که او مرگ خود را و نابودی سیستم ظالمانه سرمایه داری وابسته را در جلوی چشم خود میبیند؟

تئوریهایشان همچنان بر آنها پای میفشارند و البته مردم ما نیز در این سالها با هشیاری کامل آنها را در بوته تجربه می‌آزمایند و تجارب منفیشان را توشه راه آینده خود میسازند. در هر حال در شرایط حساس کنونی، در شرایط رشد و اعتلای مبارزات توده‌ای، در شرایطی که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی غرق در بحران و در چنبره

آگاهی توده‌ها آنها را از فیکاریهای رژیم بر حذر دارند. چریکها با شناخت ماهیت ضد خلقی رژیم و با آگاهی بر تلاشهای شبانه‌روزی مزدوران برای ترمیم ضربات وارده از جنبش خلق به سیستم و ارگانهای سرمایه داری وابسته ضرورت سازماندهی مسلح توده‌ها و پیشبرد مبارزه مسلحانه را مطرح نمودند. در این زمان، چریکهای فدائی خلق که تازه صف خود را از صف فرصت طلبان و سازشکاران رخنه کرده در سازمان فدائی جدا نموده بودند در محاصره اپورتونیستها بوده و از هر طرف مورد هجوم قرار داشتند. در نقطه مقابل چریکهای فدائوسی

خلق، نیروهای سیاسی سازشکار و فرصت طلب با ملی و ضدامپریالیست خواندن رژیم و با اگر تحلیل‌های غیر واقعی دیگری داشتند با توجه به تمایلات عملیشان در حفظ وضع موجود، در فریب توده‌ها همراه و همگام رژیم گشتند، آنها در جریان انتخابات مجالس ضد خلقی با توهمات ذاتی خویش به کمک رژیم شتافتند. در جریان مضحکه تسخیر سفارت آمریکا همگام

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با اپورتونیسم نیست



چریک فدائی خلق رفیق شهید شریعتی (فصلت تلالم) معاضد

فروا میخوانیم . رادیوچریکهای فدائی خلق خواهد کوشید با افشای چهره وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و همه دشمنان خلق ، با تبلیغ طرح برنامه سه سازمان و با اتخاذ موضع و اظهار نظر در مورد مسائل مختلف جنبش ، نقش خود را در هموار کردن راه انقلاب و اتحاد خلقهای ایران ایفاء نماید . در ضمن با توجه به شرایط پلیسی موجود و در نتیجه امکانات محدود توزیع اطلاعات و نشریات سازمان رادیوچریکها وظیفه دارد با پخش این آثار ، امکان ضبط و پخش مجدد آنها را برای رفقای هوادار در سطح شهرها و روستاها فراهم کند .

ما از رفقای هوادار سازمان انتظار داریم که کوشش دادن به صدای چریکها را جزء برنامه روزانه خود قرار داده و بیستای بیستگیزی و خشکی را پذیرای که لازمه فعالیت کمونیستی است ایفا کرده و تحلیلهای سازمان را هر چه وسیعتر به میان آورده و بفرستند و در عین حال به رهنمودهای سازمان که از این طریق به اطلاع آنها میرسد دقیقاً عمل نمایند .

بزرگ مبارزه مسلحانه خلق کرد فعالانه شرکت کرده و در هیچ مقطعی علیرغم کمی نیروییمان از شرکت در این مبارزه قهرمانانه باز نمانده ایم .

ولی مسلماً ابعاد این فعالیتها با توجه به نیازمندی گسترده جنبش کمونیستی میباشد . ما تا کنون برای تأمین انجام تشکیلاتی خود و برای حفظ و رشد سازمان مشکلات بسیاری را از سر گذرانده ایم و ایمان داریم که با زحم حاصل یکایک مشکلاتی که در برابرمان

مبارزه میتوانستیم مفید و سودمند قرار گیرد . در بستر این مبارزه بمثابه تنه راه رسیدن به آزادیست که طبقه کارگر در اتحاد با دیگر اقشار و طبقات خلق ، انقلاب را تا رسیدن به پیروزی پیشش میبرد . ما در جهت پیشبرد این مبارزه بیش از پیش خواهیم کوشید و فعالیتهای امروز ما نیز جبهتی جز این را تعقیب نمی کند . به این اعتبار رادیو چریکهای فدائی خلق در خدمت پیشبرد راه انقلاب و وسیله ای برای تبلیغ و ترویج این راه

... اگر بایست . انقلاب برسد کند ، اگر بایست خلقهای ایران در اتحاد مبارزاتی با یکدیگر بطوریکه رچه در مقابل دشمن صف آرائی نموده و مبارزات خود را به پیش بچوند ، جنبش ما نیازمند یک رهبری قدرتمند کمونیستی است و برای این منظور راهی جز کوشش در جهت متحقق ساختن تئوریک مبارزه مسلحانه بعنوان تنها تئوری انقلابی پرولتاریا وجود ندارد.

قرار میگیرد با تکیه بر طبقه کارگر قهرمان ایران و بایستی روشنفکران انقلابی این طبقه ، سازمان خود را اعتلا خواهیم داد و این سازمان که همانا سازمان سیاسی نظامی طبقه کارگر ایران است خواهد توانست جای خالی رهبری قدرتمند کمونیستی را در جنبش فدا میپریالیستی خلقها بماند پر نماید .

در اینجا لازم است اندکی نیز در مورد نقشی که ما برای رادیو چریکهای فدائی خلق قائلیم و در مورد انتظارها از شما در مبارزات مبارزات رادیو صحبت کنیم .

از نظر ما شکل اصلی مبارزه در ایران مبارزه مسلحانه است که همه اشکال متفاوت مبارزه در رابطه با آن و در خدمت به این

قرار میگیرد با تکیه بر طبقه کارگر قهرمان ایران و بایستی روشنفکران انقلابی این طبقه ، سازمان خود را اعتلا خواهیم داد و این سازمان که همانا سازمان سیاسی نظامی طبقه کارگر ایران است خواهد توانست جای خالی رهبری قدرتمند کمونیستی را در جنبش فدا میپریالیستی خلقها بماند پر نماید .

در اینجا لازم است اندکی نیز در مورد نقشی که ما برای رادیو چریکهای فدائی خلق قائلیم و در مورد انتظارها از شما در مبارزات مبارزات رادیو صحبت کنیم .

از نظر ما شکل اصلی مبارزه در ایران مبارزه مسلحانه است که همه اشکال متفاوت مبارزه در رابطه با آن و در خدمت به این

راه کوشش ما برسانیم و از شما ، از انقلابیون مسلح و رفقای سازمان هوادار سازمان بخواهیم که ما را در پیشبرد مبارزه خود که جز در جهت آزادی خلقهای ایران و رهائی طبقه کارگر نمی باشد یاری دهید .

ما شما را به مشکل شکنی ، خول پرچم خونین چریکهای فدائی خلق بعنوان تنها پرچم رهائی

یاوه سرائیهای

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

در مورد خلق کرد

از صفحه اول

خود را در کردستان درگیر کند جز دادن تلفات در کوههای صعب العبور منطقه شمری نخواهد دید و قادر نخواهد بود اداره منطقه را بر عهده بگیرد، فکر اینکه با حرکت سیاسی مسئله مخالفین خود را حل نماید، یعنی دولت بجای اینکه خود را با گروههای مخالف درگیر نماید، با ایشان مصالحه و مذاکره کند و با توافق بین المللی مطلب را حل و فصل نماید و در توضیح تزدوم نیز مطرح میسازد که "سرکوب، این راه نظریه کسانسی است که میگویند اساسا سازش سیاسی مشکلی حل نمیشود و برای رفع بحران، باید با زور عمل کرد زیرا اگر بالایی سر آنها قدرت نباشد، سرکوب نباشد، همواره عدهای از موقعیت فرهنگی - جغرافیایی مردم منطقه استفاده کرده برای دولت توطئه و بحران خواهند آفرید" و سرانجام حالت سوم یا با اصطلاح تر "پیامبر گونه" جمهوری اسلامی را که بزعم وی توانسته است "بحران کردستان" را به کنترل درآورد، این چنین فرمولبندی مینماید.

"جمهوری اسلامی در کردستان نه میتواند شرعا و نه عقلا با گروههای ضد انقلاب به سازش بنشیند و نه میتواند دست به سرکوب بزند که در این سرکوب عده زیادی از مردم گرد از بین میروند، لذا تنها یک راه برای

باختران به چاب رسیده که بیانگر دروغ پردازیهها و فریبکاریهای سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی در با اصطلاح حمایت و دفاع رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی از منافع خلق ستمدیده کرد میباشد.

آقای جلائی پور با بررسی تزههای مختلفی که در رابطه با "دیکرستان" از سوی دولتها تا کنون مطرح شده است، به خیال خود به اثبات "تز پیامبرگونه" ای می پردازد که گویا در ۲ سال گذشته راهنمای جمهوری اسلامی در برخورد با مسئله کردستان بسوده است.

در حالیکه سالهاست که خلق ستمدیده کرد در جنگی تمام عیار با رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بسز میبرد و در حالیکه جمهوری اسلامی در سرکوب این خلق رزمنده از هیچ جنایتی و ویگردانی نکرده و از هر وسیلهای برای سرکوب این خلق ستمدیده استفاده کرده است، اما آقای جلائی پور این رذل وقیحی که در برخوردش با مسئله خلق کرد نشان میدهد که اگر کلماتی همچون وقیح و رذل را در موردش بکار ببریم به این کلمات توهین شده است، بیشرمانه اعلام میکنند که تاکنون دوش در رابطه با کردستان مطرح بوده است. در توضیح تزاوول میگوید: "ما حیان این تز میگویند اگر هر دولتی با شیوههای نظامی، نیروهای

بدون شک موفقیت ما در امر بالا بردن کیفیت کار را دیومنونط به رابطه قتال وزنده ای است که تودهها و رفقای هوادار سازمان با این رادیو برقرار میکنند، از اینرو ارشوندگان مبارز رادیو چریکها میخواهیم که با روشن نمودن نقاط ضعف کار ما و رساندن پیشنهادات خود بما، در جهت ارتقاء کارمان کمک کنند و همچنین ما را در اثبات کیفیت صدای رادیوی مطلع گردانند، پیروزی بدون شک از آن خلقهاست و ما ایمان داریم که به اعتبار مبارزه خستگی ناپذیر خلقهای دلیرمان و در رأس آنها طبقه کارگر دیربازود سلطه امپریالیسم در ایران ناسودگشته و جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر برقرار خواهد گشت.

گرامی باد ۱۱ اردیبهشت اول ماه مه روز جهانی کارگر!
جاودان باد خا طره همه شهیدای بخون خفته خلق!
مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادیست!
با ایمان به پیروزی راهنمان!
چریکهای فدائی خلق ایران

۱۱/ اردیبهشت ۶۵



پیام چریکهای فدائی خلق ایران

بمناسبت ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه)

از صفحه ۱۴

روز جهانی کارگران

محل کار و زندگی خود متحقیق سازید. ضمن بالا بردن فعالیت مبارزاتی خود با روحیه یاس و ناامیدی که رژیم سعی دارد در میان کارگران رواج دهد، به مبارزه برخیزید و چشم اندازهای روشن پیروزی را برای آنها با پشت کار و متانیت تمام توضیح دهید. متردوران انجمنها و شرراهای اسلامی و عناصر خود فروخته و خیرچینان رنگارنگ را شناسائی نمائید، تا در فرصت مناسب بسرای اعمالشان برسند و بالاخره با تبلیغ و ترویج اشکال عالیترب مبارزه و بویژه مبارزه مسلحانه که امروز در کشور ما جریان دارد کارگران را برای حمایت و پیوستن به این مبارزه آماده سازید.

کارگران به جبهه های مرگ بهانه "دفاع از اسلام" مقاومت کرده و ما هیت این اقدام جنایتکارانه را برای کارگرانی که آگاهی کمتری دارند توضیح دهید. شما باید اعتراضات پراکنده و جاری کارگران را در مخالفت با افزایش تولید به خاطر جنگ تشدید کرده و به مقاومتهای همه جانبه تری تبدیل نمائید؟ در عین حال هرکجا که امکان آن موجود است باید برای رسیدن به خواسته هایتان با خواباندن تولید، ضربات خود را بر سیستم موجود

اما مقاومت توده های تحت ستم در مقابل این سرکوب و وحشیانه و اختناق دیکتاتوری رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در ابعاد مختلف در اقصی نقاط جامعه بچشم میخورد. چه در اعتراضات کارگران در کارخانه ها و چه در درگیریهای مسلحانه خیابانی و چه در مبارزه مسلحانه توده های در کردستان، این مقاومت خرد را آشکار ساخته است و به مانعی مهم در مسیر تحقق کامل قطععی اهداف جنایتکارانه این رژیم ددمنش تبدیل گردیده است.

در چنین ارضای وظایف بس سنگین و خطیری بر شانه های شما کارگران آگاه و انقلابی قرار داده کارگران مبارزی که حتی لحظه ای از مبارزه بر علیه این رژیم پلید دست نکشیده اند.

کارگران مبارز!

رشد ارتش بیکاران به ۴/۵ میلیون نفر آنهم بیکارانی که فاقد هرگونه حق و حقوقی میباشند و در شرایط فرکت مارکونی باید به سخت ترین شکلی امرار معاش نمایند، ثابت نگاداشتن حداقل دستمزدها در شرایط رشد افسار گسیخته قیمتها و سرکوب هرگونه تشکل کارگری در کنار سازمان دادن ارگانهای سرکوبی چون انجمنها و شرراهای اسلامی کارگری و صدها جنایت دیگر کارنامه رژیم است که برای حفظ نظام سرمایه داری وابسته در ایران از هیچ جنایت و ذالتی کوتاهی نمی نماید.

افزایش دهید. بکشید بعنوان یک وظیفه مهم، آگاهی خود و رفقایان را ارتقاء داده و به تبلیغ و ترویج شعارهای انقلابی و مطالعه متن انقلابی بپردازید. گوش دادن به رادیوهای انقلابی را جزء برنامه روزانه خود قرار دهید و به اشکال مختلف رهنمودهای صدای چریکهای رادر

با شرکت هرچه فعالتر خود در مبارزات روزمره کارگری به این مبارزات شدت هرچه بیشتر ببخشید آنها را ارتقاء دهید. بکشید هر اعتراض و اعتصاب کارگری را بوسیله ای برای بالا بردن آگاهی کارگران بدل سازید. در مقابل دسائس و تبلیغات حاکمیت مزدور در زمینه فرستادن

گرامی باد یکمین سالگرد اول ماه مه، روز جهانی کارگر

قاچاق اسلحه و فریبکارهای امپریالیستها

از صفحه آخر

و... موشکهای ضدتانک تا و به مقدار ۵ هزار عدد و انسواع دیگری از ادوات جنگی از قبیل بمبهای خوشه‌ای و توپ و تانک و ابزار و مهمات جنگی دیگر. این محمولات نظامی که ارزش آنها ۲/۵ میلیارد دلار تخمین زده شده قرار بوده از طریق اسرائیل و چند کشور دیگر به ایران فرستاده شود. ظاهراً عده‌ای از دست اندرکاران معامله فوق در آمریکا دستگیر شده‌اند که در بین آنها یک ژنرال بلند پایه اسرائیلی دیده میشود، ژنرال مزبور تهدید کرده است که اگر اسرائیل برای آزادی وی اقدام نکند نقش دولت اسرائیل را در رابطه با فروش این محمولات نظامی به ایران افشاء خواهد نمود. عجب ارتش آمریکا آنقدر بی دروپیکر شده و کارها چنان بی حساب و کتاب گشته است که دهها هواپیما آنها از نوع فانتوم F-4 و F-5 و تجهیزات مدرن نظامی دیگر مورد معامله قاچاق قرار میگیرد ولی دولت آمریکا تازه شش خبردار شده و با اصطلاح به کشف آن نائل میآید؟! همان آمریکا‌ئی که در مبارزه تسلیحاتی با شوروی چنان سیستم حفاظتی در مورد تجهیزات جنگی بکار میبرد که در تمام دنیا بی نظیر است و سازمان جاسوسی گسترده‌ای چون CIA را بوجود آورده که در تمامی امور جامعه دخالت میکند. نه خیر قبول چنین امری که معامله قاچاقی با چنان کیفیت و

رایفریید. درست است که بین دولت ایران و دولت آمریکا رابطه رسمی وجود ندارد ولی این امر هرگز به مفهوم قطع فروش تجهیزات نظامی آمریکا به ایران نمی باشد بلکه معاملات کلانی بصورت غیر رسمی، از طریق واسطه، و یا بشکل قاچاق کماکان بین دولتهای ایران و آمریکا جریان دارد. فروش تجهیزات نظامی آمریکا به ایران بصورت قاچاق دارای فوائد بسیاری برای دولت آمریکا و سردمداران فاسد جمهوری اسلامی میباشد. اولین

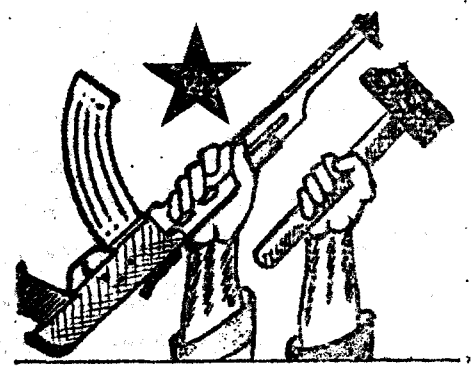
ارقامی بدون اطلاع دست اندرکاران دولت آمریکا انجام گرفته حتی برای خوشبین ترین افراد قاسل قبول نیست. تا چه رسد به کسانی که ماهیت امپریالیسم را میشناسند. واقعیت این است که تمامی این معاملات قاچاق زیر نظر دولت آمریکا صورت میگیرد و چنین ترفندهائی نمیتواند توده‌های تحت ستم ایران را که مخارج عظیم این معامله بوسیله رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی از جیب آنها کسر میشود

پیام چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت (۱۱ اردیبهشت)

از صفحه ۲۱

استقرار سوسیالیسم برقرار گردد. گرامی باد اول ماه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر! برقرار باد اتحاد کارگران با خلقهای سراسر ایران! مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش! زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادیست!

بمثابه شکل اصلی مبارزه سودمند و مفید، واقع میشود و با اعمال رهبری پرولتاریا به این مبارزه است که امکان نابودی سلطه امپریالیسم در ایران فراهم میگردد. در آستانه یکصدمین سالروز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر، با در سگگیری از قهرمانان نهایی کارگران سراسر جهان و با گرامی داشت شهدای طبقه کارگر در ایران و در سراسر جهان، مبارزه بی‌امان خود بر علیه امپریالیسم و بورژوازی وابسته شدت بخشد، تا با نابودی امپریالیسم و سگهای زنجیریش، جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر برای



ارتش خلقی بپا میکنیم
میهن خود را رها نمیکنیم

کلائی بدون اطلاع دولت آمریکا با جمهوری اسلامی صورت گرفته است توده های ما را نادان فرض نمیکنند؟ بگذار آنها اینطور فکر کنند، ولی مردم ما آگاه تراز آنند که فریب چنین دغلاکاریها و چنین شعبده بازیهای امپریالیستی را بخورند. استناد به دیگر از این شیوه فروش آنست که در این معاملات چه امپریالیسم آمریکا و چه سردمداران جمهوری اسلامی منافع زیادی را بجیب میزنند و همچنین که خبرگزار و بیهاگزارش میدهند اینگونه محموله های قاچاق گاهی به سه تا چهار برابر قیمت اصلی فروخته میشود که در این راه مقدار زیادی نصیب آمریکائیان و مقدار زیادی هم نصیب دلالان ایرانی یعنی

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی میگردند. باین ترتیب شیوه فروش تجهیزات نظامی آمریکا به ایران بصورت قاچاق علاوه بر آنکه مانع از صادرات امپریالیستی برچهره سردمداران جمهوری اسلامی این سگان زنجیری امپریالیسم میزند و چهره جنایتکار و جنگ افروز امپریالیسم آمریکا را از دیده ها پنهان میدارد باعث میشود که مقدار قابل توجهی از منافع دولتی که حاصل دسترنج توده های زحمتکش این کشور است به کیمه امپریالیستها و نوکرانشان سرورز گردد.

با این اوصاف این سؤال باقی

آنها از اشغال سفارت آمریکا فریب توده ها نمی بود است که به درستی امپریالیسم را دشمن خود میدانند. آنها میخواهند خود را در بین توده های ضد امپریالیست ما، با اصطلاح ضد امپریالیست و مخالف آمریکا نشان دهند.

در حال امروز نیز منافع امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا ایجاب میکند که با حفظ ظاهر، رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را رژیم مستقل جلوه دهند و بسا

در حال امروز نیز منافع امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا ایجاب میکند که با حفظ ظاهر، رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را رژیم مستقل جلوه دهند و با نشان دادن اینکه ظاهراً رژیم جمهوری اسلامی ارتباط ندارند، خود را از آماج خشم توده های مبارزان مصون نگه دارند.

نشان دادن اینکه ظاهراً رژیم جمهوری اسلامی ارتباط ندارند، خود را از آماج خشم توده های مبارزان ایران مصون نگه دارند.

بنابراین هیچگونه تعجبی نیست که چرا هم آمریکا و هم سگان زنجیرش جمهوری اسلامی میکوشند رابطه بین همدیگر را قطع شده نشان دهند. وقتی بهر دلیلی پرده از معامله ۲/۵ میلیارد دلاری تجهیزات نظامی برداشته میشود، اینطور جلوه میدهند که گویا این معامله زیر نظر دولت آمریکا نبوده است. توجه کنید، معامله ۲/۵ میلیارد دلاری آیا آنها وقتی میگیرند چنین معامله

و مهمترین فایده ای که اینگونه فروشها برای آنان دارد این است که هم دولت آمریکا و هم جمهوری اسلامی برای فریب توده ها میتوانند کماکان ادعا کنند که هیچ رابطه ای با یکدیگر ندارند و گویا جمهوری اسلامی سگان زنجیری امپریالیسم آمریکا نیست بلکه رژیم مستقل میباشد که بدلیل قطع رابطه اش با امپریالیسم آمریکا بخاطر رفع نیازهایش به معامله قاچاق روی آورده است.

مردم ما بخوبی میدانند که چگونه در جریان مبارزات ضد امپریالیستی خویش و در شرایطی که رژیم شاه را بعنوان نوکر چیره خوار امپریالیستها آماج حملات خود قرار داده بودند، خمینی و دارودسته اش بعنوان باصطلاح مبارزین ضد امپریالیست ریاکارانه خود را در کنار خلق قرار داده و بر موج مبارزات توده ها سوار شدند. مردم ما خوب میدانند که رژیم منفور جمهوری اسلامی در ابتدای روی کار آمدنش چگونه برای فریب توده ها با اصطلاح حمله به سفارت آمریکا و ادرا ایران سازمان داد و بعداً نیز معلوم شد که قصد

پیپیش پیسوی تشکیل ارتش خلق

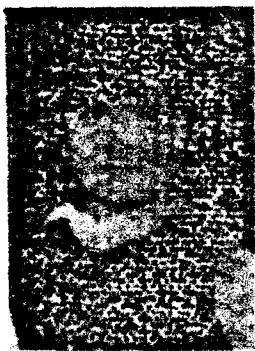
در هر حال وقتی از صدها معامله بین دولت ایران و امریکا بک مورد افشاء میگردد، این امرگرچه تا حدی دروغهای رژیم جمهوری اسلامی را آشکار میکند که گاهها حتی ادعا میکنند که در زمینه تهیه تجهیزات نظامی خودکفا شده اند، ولی بطور کلی خود در جهت فریب توده ها مورد استفاده قرار میگیرد. آخر گویبزر بعنوان بزرگترین مبلغ دروغپرداز آلمان هیتلری، آموزگار مبلغین و دروغپردازان امپریالیستی در حال حاضر است. گویبزر گفته بود دروغ هر قدر بزرگتر باشد باورش برای مردم آسان تر است بلی معامله ۲/۵ میلیارد دلاری، بین سردمداران جمهوری اسلامی و دست اندرکاران در امریکا در رابطه با مدرنترین تجهیزات نظامی صورت میگیرد ولی دولت امریکا از آن بی خبر بوده و تازه آنرا کشف میکند ۱۱ این درست از نوع همان دروغهای بزرگ گویبزر است.

یا سرهنگ صدیقی رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی میگوید: "نیروی هوایی ما الان چند سالی است که بازسازی شده و میشود. و ایران از یک نیروی هوایی قوی و قدرتمند برخوردار است." این مزدوران به هیچوجه به روی خود نمی آورند که صرف انجام معاملات قاچاق بصورتیکه این معاملات تحت کنترل امپریالیستها و دولت های آنان قرار نداشته باشد، نمی توان از غنی بودن تجهیزات و وسائل ارتش و از قدرتمند و قوی شدن نیروی هوایی صحبت کرد.

سلاحهای مرکباری که توسط امپریالیستها برای مجهز کردن ارتشهای ضد خلقی در سراسر دنیا تولید میشود، سلاحهای کسه امپریالیستها درست بخاطر جنگ افروزی در سراسر جهان و بخاطر سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی توده ها تهیه میبینند، نمیتواند مورد خرید و فروش قاچاق قرار بگیرد بدون آنکه تحت کنترل و با اطلاع آنان نباشد.

میمانند که اگر فروش تجهیزات نظامی بصورت قاچاق، برای طرفین معامله استفاده های کلان دارد به چه دلیل گاهها این معاملات افشاء میشود؟

بنظر ما دلیل این افشاء شدنها را باید در رشد تضادهای درونی جناحهای مختلف امپریالیستی جستجو کرد که هر جناح برای اینکه بتواند بیشترین استفاده را از این خوان بیغما نصیب خود نماید گاهها به چنین اقدامی دست میزند. با اینحال همانطور که گفته شد این افشاگریها با منافع کل آنان تناقضی ندارد. برعکس این شیوه باز هم هر چه بیشتر در خدمت فریب توده ها قرار دارد. آخر توده های ما میپرسند اگر بر راستی جمهوری اسلامی با امپریالیسم امریکا و منحوی با امپریالیستهای دیگر قطع رابطه کرده است پس ابزار و مهمات جنگ ویرانگر ایران و عراق، جنگی که بنابه اعتراف خود امپریالیستها از لحاظ بکار بودن ابزار و آلات جنگی از زوایای با جنگ جهانی اول برابری میکند، از کجا تا مین میشود؟ بلی افشای معاملات قاچاق این فایده را برای امپریالیستها و سگ زنجیریشان دارد که بگویند تجهیزات نظامی بطور غیر قانونی تهیه میشود. و در همین رابطه است که سرهنگ جمالی مزدور جانشین فرماندهی نیروهای زمینی از اینکه ارتش ایران امروز در زمینه تجهیزات و وسائل تا حد امکان غنی است دم میزند و



چریک فدائی خلق رفیق شهید
ارژنگ شایگان شاماسی



چریک فدائی خلق رفیق
شهید کاظم سعادتسی

در روزنامه‌ها مبادرت ورزیده‌اند تبلیغات گوسخرایشی در مورد باصطلاح آمادگی مردم برای پیوستن "داوطلبانه" به جبهه‌ها گسترش هرچه بیشتری یافته‌است. مدای و سیمای جمهوری اسلامی یک لحظه در تبلیغ این مسئله درنگ نمیکنند و صفحات روزنامه‌های رژیم از سخنرانی‌ها و اطلاعیه‌ها و بیاناتیها در مورد جنگ و ضرورت بسیج همگانی جای خالی ندارند. این مزدوران اینطور وانمود می‌نمایند که گویا ۹۹٪ مردم از آنان پشتیبانی نموده و حاضرند در راه منافع آنان و اربابان نشان قربانی شوند و گویا توده‌های میلیونی به ندای خمینی این سگ زنجیری مبنی بر بسیج همگانی پاسخ مثبت داده‌اند. به راستی چه نیرنگی در کار است؟ خامنه‌ای در سمیناری که بنام "لیک یا امام" برگزار شد اعلام کرد، که اگر از فرصت استثنائی که بدست آمده استفاده نکنیم خسارات زیادی به انقلاب میخورد و رفسنجانی دغلكار مطرح ساخت که "سخنان خمینی ما را تکان داد، ما احساس مسئولیت کردیم، تکلیف جدیدی برای ما مطرح شد ما چه بکنیم و چگونه نظرات امام را تأمین کنیم" همین مزدور پیش از این گفته بود که در شرایط حساس خداوند مصلحتهای لازم را به امام وحی میکند. این دفعه هم پیام خمینی مبنی بر بسیج همگانی برای تشدید بازهم

اقدامات ارتجاعی اخیر رژیم در رابطه با جنگ برای چیست؟

از صفحه آخر

بیشتر جنگ را با بدو حی خدائی دانست.

بله، شرایط حساسی پیش آمده است که این چنین مزدوران امپریالیسم به تکاپو افتاده‌اند و در این شرایط حساس، خمینی، سگ زنجیری بارگاه امپریالیسم، بازالها م‌هایی دریافت کرده، آنها م‌هایی از طرف خدای خود یعنی امپریالیسم جهانی، آخر خدای خمینی یعنی امپریالیسم امروز در شرایط دشواری قرار گرفته است. کوشش امپریالیست‌ها برای سرشکن کردن بحران‌های خود به روی جوامع تحت سلطه‌ای چون ایران شرایط پیچیده‌ای را بوجود آورده است.

امروز قیمت نفت در بازارهای جهانی بطور ناگهانی شدیداً تنزل یافته و در نتیجه به اقتصاد وابسته ایران که مدورنفت نقش تعیین کننده‌ای در آن پیدا کرده است، ضربه‌ای سخت وارد آمده است و به بودجه دولت که عمدتاً از ارز حاصل از فروش نفت تأمین میگردد لطمات زیادی وارد آمده است.

در چنین شرایطی، تشدید فقر و آوارگی، گسترش بیکاری و در بدری که از عواقب بحران امپریالیستی است، زندگی را برای توده‌های

ستم‌دیده ما بیش از پیش طاقت فرسا می‌نماید و نتیجه این وضع نیز جز تشدید اعتراضات و مبارزات ضد امپریالیستی از طرف توده‌ها نیست. امپریالیست‌ها و سگان زنجیریشان با درک چنین اوضاعی است که از وجود شرایط حساس صحبت میکنند و در هر اس و وحشت از رشد مبارزات توده‌ها است که دیرانه‌وار به تکاپو افتاده و به دنبال راه حل میگردند.

در این میان خمینی و مزدوران حلقه بگوش دیگر رژیم که دیداری و اسلام خواهیشان جز پوششی برای تأمین منافع امپریالیسم نمیباشد، در چارچوب سیاست امپریالیسم در منطقه برگرم نگاه داشتن تنبور این جنگ ویرانگر تأکید نموده و بر این اساس با برآه انداختن یک تبلیغات گسترده در مورد جنگ و با اقدام به بسیج همگانی و اعزام جوانان به جبهه‌های جنگ میکوشند تا آتش این جنگ ویرانگر و اشعه ورترازند.

همانطور که میدانیم یکی از اهداف جنگ امپریالیستی ایران و عراق انحراف مسیر مبارزات ضد امپریالیستی توده‌هاست. امپریالیست‌ها و سگان زنجیریشان در شرایطی که بدلیل شدت یابسی بحران نظام امپریالیستی که توده‌ها بیش از پیش به مبارزه روی می‌آورند، میکوشند از طریق سازمان دادن جنگ سدی در مقابل رشد مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها ایجاد نمایند. آنها

مرگ بر جنگ امپریالیستی ایران و عراق

پیام فدائی

سال اول

شماره ۲ اردیبهشت ۶۵

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

با مشغول کردن ذهن توده‌ها نسبت به جنگ و به مسلخ فرستادن جوانان بیشماری که مسلمانان نبود این جنگ در چنین شرایط بحرانی نیروی قابل توجهی در مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ما به حساب می‌آیند ، میکوشند با این وسائل خود را از مخمصه بحران وسیع کنونی نجات دهند. بنا بر این در پرتو درک این مسئله بعنوان یکی از اهداف جنگ امپریالیستی ایران و عراق است که میتوان به یکی از دلایل اقدامات ارتجاعی اخیر که این سگان زنجیری امپریالیسم در رابطه با تشدید جنگ انجام میدهند و تبلیغات گسترده‌ای که در این مورد براه انداخته اند پی ببرد و مفهوم آن وحی ای را که از طرف امپریالیسم به امام مزدور رسیده و رفسنجانی از آن تکان خورده است ، درک نموده و دانست که چرا خامنه‌ای مزدور بسا اضطراب تمام اعلام میکند که اگر از فرصت استفاده نکنند انقلاب اسلامی شان خسارت خواهد دید. آنها برای انحراف مسیر مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها برای انحراف افکار توده‌ها از پی بردن به علل واقعی مصائب پیشمار خود و برای آنکه عامل اصلی این مصائب یعنی امپریالیسم را از دیده‌ها پنهان نگاه دارند ، بیش از پیش در تنور جنگ میدهند . آخوند مزدور جنتی سرپرست سازمان تبلیغات اسلامی و رئیس کمیسیون ائمه جمعه استانها خواستار قدرت اجرایی برای ستاد پشتیبانی

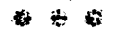
جنگ در استانها شده و رفسنجانی میگویی " اساسا ما قراره توییه شو، که اختیاراتی به این ستاد داده بشه که بتوانند امکاناتی را که لازم دارند بگیرند و اعزام دارند ."

اینان بدلیل هراس از توده‌ها و وحشت از رشد مبارزات آنان از آنجا که خود بخوبی میدانند تا چه حد مورد خشم و نفرت توده‌ها میباشند به هروسيله‌ای برای جلوگیری از رشد مبارزه مردم متوسل میشوند ولی عرصه آنچنان برای اینان تنگ و اوضاع تا بدان حد برای این مزدوران وخیم

فلاکت باری به سر میبرد و بشرومانه با توجه به ناراضیتهای شدید توده‌ها و مشاهده اعترافات پراکنده اما گسترده‌ای که علیرغم شرایط سخت و خفقان بارجا معه از طرف مردم دیده میشود بار دیگر میکوشد تا ضمن مشغول کردن ذهن مردم نسبت به جنگ شمارا به مسلخ جنگ کشانده و به کشتن دهد. اولین اقدامی که شما جوانان مبارز و عزیزمان در این رابطه باید بکنید سرباز زدن از رفتن به جبهه‌ها و یاد صورتیکه بالاجبار عازم جبهه‌های مرگ شدید فرار از آنجاست ، شما باید

اینان بدلیل هراس از توده‌ها و وحشت از رشد مبارزات آنان از آنجا که خود بخوبی میدانند تا چه حد مورد خشم و نفرت توده‌ها میباشند به هروسيله‌ای برای جلوگیری از رشد مبارزه مردم متوسل میشوند ولی عرصه آنچنان برای اینان تنگ و اوضاع تا بدان حد برای این مزدوران وخیم است که کوشش آنها برای کشاندن مردم به جنگ و مشغول کردن ذهن آنها نسبت به این مسئله باز نتیجه عکس خود را دارد، چه توده‌ها با تمام وجود از جنگ بیزارند و انزجار و نفرت آنان از جنگ خودیه انگیزه‌ای برای تداوم مبارزاتشان تبدیل شده است. درخاسته باید خدایا به جوانان عزیزمان که دائما در معرض شکار آدمکشان جمهوری اسلامی برای اعزام به جبهه‌ها قرار دارند بگوئیم که امروز رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی علیرغم تمام لاف و گزافهائی که سردمدارانش بسوی قدرتمندانشان دادندش برزبان می‌رانند ، در وضعیت وخیم و

با عدم تمکین به خواسته‌های رژیم، نقشه‌های ارتجاعی آنان را نقش بر آب سازید نیروی شما باید در خدمت رشد مبارزه ضد امپریالیستی جهت قطع کامل سلطه امپریالیسم و نابودی سگان زنجیریش در ایران قرار گیرد. تنها با گسترش مبارزه برعکس امپریالیسم و رژیم وابسته جمهوری اسلامی و تنها با برقراری جمهوری دمکراتیک خلقی به رهبری طبقه کارگر است که توده‌ها از فقر و فلاکت و جنگ و کشتار خلاصی خواهند یافت. مرگ بزرگان امپریالیستی ایران و عراق! مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش! مرگ بزرگان و وابسته‌ها امپریالیسم جمهوری اسلامی!



از صفحه ۲۵

شهرسندج را به توپ و خمپاره بست و نوروز خونینی را برای مردم این شهر به ارمغان آورد و مگر سرکوبگران جمهوری اسلامی در ۷ سال اخیر که خلق کرد برای رسیدن به خواستههایش با خاسته است یارها و بارها با آفریدن فجایع دردناکی در روستاهای کردستان نکوشیدند در دل خلق آزاده کبر و رعب و وحشت ایجاد کرده و آنها را از مبارزه عادلانه شان باز دارند. مگر این جمهوری اسلامی نبود که با بریدن سرهای پیرمردان و زنان زحمتکش روستاهای ایندرفاش، قارنسا،

در برابر زورگوییها و یورشهای وحشیانه مزدوران جنایتکار جمهوری اسلامی به مقاومت برخاست و در امر متحقیق ساختن خواستههای خود خون فرزندان بیشماری را تقدیم انقلاب ضدامپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران نمود و بطور روزمره جنایات جمهوری اسلامی را تجربه کرده چگونه میتواند فریب این تبلیغات فریبکارانه را بخورد؟

جلاشی پور مزدور در تحلیلی بغایت ریاکارانه خود در مورد کردستان مینویسد: "دولتها برای مثال دولت موقت با زرگان ورژیم

حل بحران مناطق کردنشین با قسی میماند و آن همان راه پها مبران بود که میبایست ضدانقلاب را از مردم جدا کرد" و ادامه میدهد که "دولتها برای حل بحران کردستان سراغ گروهها میرفتند و با مردم را مرعوب خود میکردند ولی جمهوری اسلامی به سراغ مردم رفت ، اقدامی که هیچ دولتی تا این زمان نکرده است".

برای نشان دادن کذب اظهارات این مزدور به استدلال زیادی احتیاج نیست و تنهائی نگاهي به عملکردهای جمهوری اسلامی در کردستان در چند سال اخیر به خوبی نشان میدهد که تبلیغات جمهوری اسلامی تا چه حد فریبکارانه و ریاکارانه است.

رژیمی که در مقابل خواست بر حق خلق کرد یعنی حق تعیین سرنوشت و کسب خودمختاری در ایران واقعا آزاد و دمکراتیک از هیچ جنایتی رویگردانی نکرده است ، حال و قبحانه از "عملکرد پها مبر گونه جمهوری اسلامی" در کردستان و جلب حمایت مردم سخن مگوید. و به این وسیله میخواهد تودههای ستمدیده کردستان را فریب دهد. اما خلقی که سالهاست برای رسیدن به خواستههای برحقش به مبارزه مسلحانه با این رژیم مزدور پرداخته است هرگز فریب این تبلیغات ریاکارانه را نخواهد خورد . خلقی که با تمام توان خویش

این است واقعیت منطق جمهوری اسلامی در کردستان و راه حل "پها مبرگونه" اش راه حلی که با همه ابعاد وسیعش و با همه وحشیگریهای ذاتی اش نتوانست هرگز رژیم را در رسیدن به هدفش یعنی جدائی انداختن بین تودهها و پیشمرگان خلق کرد موفق گردانند و نتوانست کردستان را به محل امنی برای چپاول خلق تبدیل سازد.

شام برای حل بحران کردستان به سراغ گروهها میرفتند و با مردم را مرعوب خود میکردند ولی جمهوری اسلامی به سراغ مردم رفت ، اقدامی که هیچ دولتی تا این زمان نکرده است. زهی رقاحت !! اما ببینیم جمهوری اسلامی چگونه "به سراغ مردم" رفت مگر جز این است که این سگان زنجیری امپریالیسم از همان ابتدای روی کار آمدنشان به سرکوب وحشیانه و ددمنشانه جنبش خلق رزمنده کرد پرداختند و مگر این جمهوری اسلامی نبود که در بهار سال ۵۸ انجام داده است را در پرونده

زنده باد خلق رزمنده کرد که برای آزادی می جنگد!

جنایتکارانه خود در کردستان بر خود بیبالند و خطاب به توده‌ها و قیحانه اعلام دارند که اعمالی را که تاکنون در حق این خلق رنجیده و ستمکش مرتکب شده‌اند هیچ دولتی انجام نداده است. اما بدون شک خلق کرد برای رسیدن به آزادی واقعی یعنی نابودی سلطه امپریالیسم و سگهای زنجیریش از پای نخواهد نشست و به مبارزه خود ادامه خواهد داد.

جلاشی پور مزدور در ادامه تحلیل خود از عملکردهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی در کردستان این چنین به تحلیل میپردازد و میگوید: "سرافرازی و عظمت جمهوری اسلامی از آنجا آغاز میشود که علیرغم همه مشکلاتش برای حل این بحران، نه به سازش سیاسی امید بست و نه دست به سرکوب زد بلکه از همان تیز پیغمبری، یعنی جدائی ضد انقلاب از مردم، پیروی کرد و این راه سخت را با نثار خون بهتری عزیزان رزمنده طی نمود." سخنان این مزدور بیانگر یافه سراسیهای جنایتکارانه

جدائی انداختن بین توده‌ها و پیشمرگان خلق کرد مرفق گرداند و نتوانست کردستان را به محل امنی برای چپا و خلق تبدیسیل سازد. حال پس از همه این جنایات این مزدوران رذل، وقاحت را تا به آنجا رسانده‌اند که از حمایت و دفاع از مردم کردستان دم میزنند. ولی این سگسان زنجیری امپریالیسم باید بدانند که خلق کرد هرگز جنایات و وحشیگریهای این رژیم را فراموش نخواهد کرد و همچنان که در این سالهای طولانی پاسخ جمهوری اسلامی را با ادامه مبارزه مسلحانه خود داده است در آینده نیز با تداوم مبارزه خونینش واقعیت راه‌حلهای پیامبرگونه جمهوری اسلامی را آشکار خواهد ساخت. خلقی که سالها محاصره اقتصادی کردستان را تحمل نمود، خلقی که خاک کردستان را با خون فرزندان قهرمانش گلگون نمود، هرگز فریب تبلیغات ریاکارانه جمهوری اسلامی را نخواهد خورد و کردستان را به گورستان دشمنان خود تبدیل خواهد نمود. بگذار این مزدوران از اقدامات

سیاه کمتر دولتی میتوان مشاهده کرد و بواقع جمهوری اسلامی در جنایت و وقاحت دست همه همکاران خود را از پشت بسته است و پس از سالها سرکوب خلق کرد و آفریدن صدها جنایت هولناک در کردستان حال بیش‌تر مانده از "سراغ مردم" رفتن سخن میگوید. آری مانیز میپذیریم که جمهوری اسلامی "به سراغ مردم" کرد آمد اما چگونه و با چه وسائلی؟ این است آن عاملی که مزدوری بنام جلاشی پور وظیفه لاپوشانی اش را بعهده گرفته است. جمهوری اسلامی به سراغ مردم کرد آمد اما بوسیله ارتش ضد خلقی شاهنشاهی که یک روزه به ارتش اسلامی تبدیل شد و خمینی مزدور بر او آب تطهیر ریخت تا در انجام جنایاتش اینبار تحت پوشش ارتش اسلام پیگیرانه تر عمل نماید. آری جمهوری اسلامی در سالهای اخیر به کمک ارتش شاهنشاهی و پاسداران امپریالیسم سراغ مردم کرد آمد تا با سرکوب خونین آنها سلطه منحوسش را بر کردستان اعمال نماید و حاصل این سیاست "پیامبرگونه" گسترش سلطه ارتش مزدور در کردستان بوسیله استقرار بیش از ۲ هزار پایگاه نظامی کوچک و بزرگ در این منطقه و به بهای کشتار وحشیانه خلق کرد بود. این است واقعیت منطق جمهوری اسلامی در کردستان و راه حل "پیامبرگونه" اش، راه حلی که با همه ابعاد وسیعش و با همه وحشیگریهای ذاتی اش نتوانست هرگز رژیم را در رسیدن به هدفش یعنی

رفقای هوادار!

برای وصل ارتباط با سازمان
به پایگاه چریکهای فدائی خلق ایران
در کردستان قهرمانان را بجهت نامید.

شیوه‌های کثیفی متوسل شده است و همین امر نیز ماهیت تزییخمیری جدائی ضدانقلاب از مردم را آشکارا نشان میدهد. سرکوبگران جمهوری اسلامی برای رسیدن به این هدف به وحشیانه ترین شیوه‌ها متوسل شده‌اند. آنها روستاهای کردستان را به آتش کشیده‌اند و مناطق مسکونی را به توپ و خمپاره بستند تا ضمن ناامن کردن محل زندگی توده‌های مردم ستم‌دیده و زحمتکش این مناطق را وادار نمایند خانه و کاشانه خود را رها

است که در سرکوب خلق قهرمان کرد که برای رسیدن به آزادی به مبارزه مسلحانه روی آورده است، از هیچ جنایتی کوتاهی نکرده‌اند.

نگاهی به روشهایی که در کردستان بکار گرفته شده است عمق وقاحت نهفته در این سخنان را به نمایش میگذارد. بمباران شهرها، آواره کردن توده‌ها، کوچ اجباری روستائیان، محاصره اقتصادی مناطق تحت کنترل

مقاومت یکپارچه خلق کرد در ۷ سال گذشته و مبارزه مسلحانه توده‌ای که این خلق سالهاست به آن میادرت نموده است جمهوری اسلامی را در شکستن آزاده این خلق ناتوان ساخته و جمهوری اسلامی را مجبور ساخته است که برای به کنترل در آوردن کردستان این منطقه را با ایجاد پایگاههای بزرگ و کوچک به سربازخانه‌ای بزرگ تبدیل سازد.

پیشمرگان، سرکوب وحشیانه توده‌ها، قتل و غارت روزمره، تسلیح اجباری روستائیان، جاش سازی، سربازگیری اجباری، استقرار پایگاه در روستا و فشار به روستائیان برای نگهداری روستا، ایجاد گروههای ضربت، کشتارهای وحشیانه برای ایجاد رعب و وحشت، اعدام و شکنجه و ترور، اینهاست زوایای مختلف سیاست سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در کردستان.

آری این واقعیتی است که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی برای جدا نمودن پیشمرگان دلیر خلق کرد از خلق کرد به

ساخته و آواره کوه و دشت گردند و "سرافرازی و عظمت" جمهوری اسلامی نیز در همین نکته نهفته است که اگر نتوانست در مهر توده‌ها نسبت به پیشمرگان قهرمان کردستان خلایق ایجاد کند، با ترس به سرکوب میکوشد در ارتباط پیشمرگان با توده‌ها به اشکال مختلف مشکل ایجاد کند. جمهوری اسلامی در بعضی از مناطق سیاست تخلیه روستاها و کوچ اجباری را به مورد اجرا گذاشت تا خلق رزمنده کرد را در مبارزه اش بر علیه نظام سرمایه‌داری وابسته به زانو در آورد و در صفوف فرزندان مبارز و دلیرش پراکنده

برقرار باد اتحاد نیروهای انقلابی و خلقهای سراسر ایران

اما واقعیت این است که مبارزه مسلحانه در کردستان وسیعاً مورد حمایت توده‌ها قرار داشته و مردم از فرزندان پیشمرگ خود پشتیبانی میکنند. در واقع این رژیم جمهوری اسلامی است که مورد نفرت و انزجار توده‌های ستمدیده این دیار بوده و خلق کرد نیز همانند سایر خلقهای ایران خواهان سرنگونی هر چه سریعتر این رژیم مزدور میباشد.

مسلحانه توده‌های خلق کرد و حمایت گسترده توده‌ها از پیشمرگان خلق کرد خواب آرام نداشته و ندارند. این است واقعیت "مسئله کردستان" در جمهوری اسلامی چرا که "مسئله کردستان" یا بقول آقای جلائی پور "درد کردستان" تنها با پذیرش حق تعیین سرنوشت خلق کرد و تحقق خودمختاری است که درمان میگردد. امری که در ماهیت جمهوری اسلامی نبوده و نیست و تنها در جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر متحقق میگردد.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی؛ زنده باد خلق رزمنده کرد که برای آزادی میجنگند؛ زنده باد مبارزه مسلحانه که تنه‌راه رسیدن به آزادیست؛

گرامی باد خاطره

کاک اسماعیل شریف زاده
و یاراناش

حتی با کمک میلیتاریزه کردن کامل این منطقه نیز شکننده بوده، و پیشمرگان خلق کرد در هر نقطه کردستان که اراده نمایند میتوانند ضربات مرگبار خود را بر پیکر نحیف جمهوری اسلامی وارد سازند و کردستان بر اساس تئور "پیا مبرگونه" جدائی ضد انقلاب از مردم به یکی از ناامن ترین مناطق در جمهوری اسلامی تبدیل شده است و حال این واقعیت مزدوران جمهوری اسلامی را بر آن داشته است تا با اینگونه یاوه‌گوئیها و نوحه سرانیها به خود آرامش دهند چرا که جمهوری اسلامی را در کردستان آرامشی نیست و نیروهای سرکوبگر این رژیم در کردستان به اعتبار مبارزه



می‌کوشید یا ایجاد فضای رعب و وحشت توده‌ها را به برداشتن اسلحه بر علیه پیشمرگان ترغیب نماید و یا حداقل اگر بر علیه پیشمرگان نمی‌جنگند با برداشتن اسلحه به نگهبانی از روستای خود بپردازند اما همه جا در مقابل این سیاست با مقاومت یکپارچه روستائیان مواجه گشت و هر کجا روستائیان نتوانستند در مقابل این سیاست ارتجاعی یکپارچه مقاومت نمایند موقتاً مجبور به برداشتن سلاح شدند خیلی زود این سلاحها در خدمت جنبش خلق کرد قرار گرفت و جمهوری اسلامی را جیونانه مجبور به پذیرش این واقعیت نموده که تئور "پیامبر گونه" اش چه نتایج وخیمه‌ای برایش ببار آورده است و توده‌ها چه نفرتی از او دارند.

مقاومت یکپارچه خلق کرد در ۷ سال گذشته و مبارزه مسلحانه توده‌ای که این خلق سالهاست به آن مبادرت نموده است جمهوری اسلامی را در شکستن اراده این خلق ناتوان ساخته و جمهوری اسلامی را مجبور ساخته است که برای به کنترل درآوردن کردستان این منطقه را با ایجاد پایگاههای بزرگ و کوچک به سربازخانه‌های بزرگ تبدیل سازد. اما خلق کرد به اشکال گوناگون در مقابل دسیسه‌های امپریالیستی این رژیم مزدور مقاومت نموده و اجازه نداده است که کردستان به محل امنی برای سرمایه‌های امپریالیستی تبدیل گردد. و کنترل جمهوری اسلامی در کردستان

دفاع شرمگینانه از فاجعه ۴ بهمن (۱)

از صفحه آخر

جدی با سیاستها و عملکردی که منجر به این فاجعه هولناک گردید، نیستند، اما از طرف دیگر این درگیری مسلحانه و ارزیابی سایر جریانات درون جنبش نسبت به آن بخوبی مؤید این امر بود که درکشاکش این رویداد و بعد از آن، جریانات مختلف بنا به درجه استواری و پیگیری و تعهد خویش در اصول و موازین و پرنسیپهای انقلابی نسبت به طرح این قضیه، هریک در کجا ایستاده و چگونه به ساله نگریستند.

اعلامیه "پیرامون درگیری نظامی ۴ بهمن در سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) و روش نیروهای سیاسی در قبال آن"، که به تاریخ ۶۴/۱۲/۵ از طرف چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش رها شیبخش خلقهای ایران) انتشار یافت نیز نمونه یکی از این واکنشها بود.

پیش از ورود به بحث و بنا در نظر گرفتن این مطلب که اعلامیه فوق الذکر تقریباً یکماه بعد از درگیری مسلحانه ۴ بهمن منتشر شد، باید گفت تا آنجا که به تلاش این رفقا برای برخورد با مسئله و طرح دیدگاههایشان نسبت به آن بر میگردد به نظر ما امریست مثبت چه کمتر دیده شده است که رفقای ارتش رها شیبخش با مسائل مختلف جنبش برخورد

فعالانه نموده و اتخاذ موضع کنند. اما دیدگاه مزبور و محتوای طرح شده در آن، هنگامی که پارا از مرز صرفاً یک برخورد، فراتر گذاشت و به تحلیل از رویداد ۴ بهمن و روش نیروهای سیاسی در قبال آن نشست، نشان داد که برخلاف ادعاهای بزرگ خود و برخلاف آن دیدگاههایی که به اصطلاح در نقدشان نشده بود نه تنها در توضیح فاجعه ۴ بهمن "پاسخ مشخص" نداد، بلکه در اساسی ترین و ابتدائی ترین قسمت قضیه، یعنی صرف بیان حقیقت آن رویدادهایی که در برخورد مسلحانه ۴ بهمن و یکماه بعد از آن - تا انتشار نظر رفقا - به وقوع پیوست نیز عاجز مانده و به این ترتیب در نگرش به مسئله، اعلامیه در مرز صرفاً تلاش برای یک برخورد، آنهم از نا موفق ترین نوع آن متوقف شد و این امر تضاد فی نبود، چرا که لشکر کشی بظاهر "مارکسیستی" و تمام عیاری که اعلامیه با ادعای "یگانه پاسخ مشخص" و "اصولی" بر علیه مواضع "به غایت اپورتونیستی" و پراتیستیک "اپورتونیستی، رویزیونیستی و فرمیستی" سایر جریانات درباره فاجعه و "دخالت آشکار" آنان در مسائل درونی اقلیت بدان میادرت ورزیده بود، عاری از هرگونه اثبات و استدلال محکم

و قابل قبول، نهایتاً به سند بوجوبی محتوای مملو از کلی پردازی و مبهم گوییها و لجن پراکنی و اتهام زنی های بی اساس و فاقد دلیل، تبدیل شده و در جدال با واقعیات به بهترین مدرک برای محکومیت خود نویسندگان اعلامیه مبطل گردید، شیوه اپورتونیستی و عقب افتاده ای که مدت ها پس از تحولات و درد تنباله روی از آنها با جعل حقایق و قلب واقعیات و با امیدن بر روی "مارکسیسم" میکوشد حقانیتی برای خود بیابد، غافل از اینکه همین نگرش و شیوه تفکر نسبت به فاجعه ۴ بهمن، او را در مکان شایسته و واقعی خود یعنی دفاع شرمگینانه از فاجعه ۴ بهمن مینشانند. ماسعی میکنیم با توضیح مضمون و تفکر اعلامیه و در آوردن آن از مدار کلی گوئی، صحت چنین مدعائی را به اثبات برسانیم. نقطه عزیمت نویسندگان اعلامیه حرکت از "علت سیاسی" و "اهمیت هرگونه کوششی که ناظر بر کشف حقایقی باشد که به روشن نمودن علت سیاسی [تاکید از اعلامیه] این درگیری کمک نماید، میبایستی قبل از هر چیز و در وهله نخست معطوف به روشن نمودن مسائل مورد مشا جره ای باشد که مستقیماً صف آرائی کنونی را در درون این سازمان شکل داده و درگیری اخیر را بوجود آورده است. و در همین

گرامی باد خاطره

چریک فدائی خلق رفیق کبیر

علی اکبر جعفری

از اعضای کمیته مرکزی سازمان

که در سال ۵۴ بشهرت رسید

زمینه گفته شده است که "چراکه آنچه که مهم است و اهمیت عملی و فوری برای جنبش دارد، روشن نمودن اهمیت سیاسی و اهدافی است که در پشت این جدال مسلحانه نهفته بوده"

اما ببینیم شیوه حرکت رفقا از این نقطه برای آنها چه منافعی در بردارد. در درجه اول "علت سیاسی این درگیری"، "مسائل مورد مشاجره"، "اختلافات موجوده"، "مسائل اساسی مورد اختلاف"، "اهداف سیاسی"، "اهمیت سیاسی" برای نویسندگان این اعلامیه آن دستاویزها نیستی است که به بهانه "روشن نبودن" آنها زحمت پاسخ مشخص و صریح و "اظهار نظر قطعی" نسبت به حقانیت یا عدم حقانیت این درگیری را از سر خود کم میکنند و آنها را در برخورد با مسئله ای که خود معتقدند روشن شدن آن از اهمیت عملی و فوری برای جنبش برخوردار است بنا بر این خود اعلامیه به روشنی اذعان میدارند که "بنا بر این موضعگیری قطعی در مورد محکوم نمودن این درگیری مسلحانه تنها هنگامی امکان پذیر است که اهمیت سیاسی - طبقاتی این جنگ و اهداف واقعی طرفین درگیر در آن بطور روشنی بیان گردیده باشد."

اگر در اینجا احیاناً کسی سوال کند که درک "اهمیت سیاسی - طبقاتی" این جنگ و اهداف واقعی طرفین درگیر در آن چگونه مشخص میگردد؟ و نویسندگان اعلامیه چه مسئولیتی در مشخص کردن آن دارند؟ بدون شک این رفقا در

موقعیت نامناسبی قرار خواهند گرفت و اگر سوال شود که بالاخره چه هنگام رفقا در رابطه با این فاجعه اظهار نظر خواهند کرد؟ پاسخ خواهند داد: "ما هرگونه اظهار نظر قطعی و اهمیت سیاسی این درگیری را به بعد از انتشار نظرات رسمی و اسناد و مدارکی که طرفین مدعیند که با اتکاء به آنها میتوانند مسائل مورد اختلاف را روشن کنند موقوف میکنیم" و سپس ادامه میدهند که "از همین روست که ما به روشن شدن علت سیاسی این درگیری و کلیه مسائل اساسی مورد اختلاف تا کبد داریم و آن را وظیفه این سازمان میدانیم که در جهت توضیح اصولی این مسئله کوشش نماید پس معلوم میشود که تازه روشن شدن علت سیاسی این درگیری هم وظیفه خود اقلیت است، نه رفقا !!! اما ببینیم از نظر رفقا آیا اقلیت به این وظیفه خود عمل نموده است؟ در این زمینه در اعلامیه آمده که: "اینان نیز تاکنون به مسائل اساسی مورد اختلاف به اهداف سیاسی شان نپرداخته اند"

و البته از نظر رفقا ایرادی هم از این زاویه به اقلیت وارد نیست و خود ادامه میدهند: "با اینحال واقعیت این است که بعد از ۴ بهمن ماه، ما با نظرات رسمی از سوی این سازمان که اختلافات موجوده را بدرستی روشن نماید، مواجه نیستیم (البته با توجه به شرایط و وضعیتی که ایجاد گردیده است، انتظار هم نمیرفت که بتوان چنین مباحثی و البته تفصیل طرح و بررسی نمود)."

آنچه که از مجموع این کلاف سردرگم میتوان بیرون کشید و در ضمن "اهمیت عملی و فوری" برای جنبش دارد این مسئله است که هرگونه اظهار نظر قطعی درباره محکوم نمودن این فاجعه منوط به روشن شدن مسائل مورد مشاجره و اهمیت اهداف سیاسی دو طرف، از دست زدن به این جدال مسلحانه است و تازه این هم وظیفه طرفین درگیر است که باید با انتشار اسناد و مدارک، مسائل مورد مشاجره، اهداف سیاسی خود را از این درگیری روشن نمایند. بلی این سازمان

اقلیت است که باید در جهت توضیح اصولی این مسئله کوشش کند (؟) برآستی که نویسندگان این اعلامیه استادان آموزش تحلیل مارکسیستی بوده و نشان دهندگان نقش پیمانهاگ مارکسیستی در جنبش میباشند .

و این است آن کلاف سردرگمی که سرخ آن بدون شک چیزی جز کلی گوئی و تناقض اعلامیه برای گریز از پاسخ مشخص به مسئله نیست . همانطور که مشاهده شد اعلامیه در عین حال که هرگونه "اظهار نظر قطعی" خود را در مورد این رویداد به آئینده - البته از نوع نامعلومش - "موکول" میکند باز برکی خاصی گریبان خود را از دست این وعده نیزرها ساخته و وظیفه "توضیح اصولی" مسئله را به عهده خود سازمان اقلیت وامیگذارد .

حال اقلیتی هائی که خود سازندگان فاجعه ۴ بهمن میباشد از نظر رفقا تنها کسانی هستند که صلاحیت دارند "علت سیاسی" مسئله را روشن سازند . معلوم نیست که اگر آنها در مقابل

جنبش احساس مسئولیت میکردند پس چرا این فاجعه را آفریدند و تازه نقش "عنصر آگاه" و "پیشا هنگ" در برخورد با مسائل جنبش چه میباشد؟

حال بیائید حتی تصور کنیم که اقلیتی ها هم بالاخره در زمانی به این امر مبادرت ورزیدند اما آن زمان آیا این عمل فاقند هرگونه "اهمیت عملی و فوری" نمی باشند؟ گوئی رفقا هنوز به این امر پی نبرده اند که روند قضایا در جنبش انقلابی بسیار سریعتر از آنچه که آنها تصور میکنند پیش میرود و اساسا حکم محکومیت چنین اعمال و شیوه هائی از سر خورد در درون سازمانهای انقلابی خیلی پیش از اینها صادر شده است و اتفاقا محکومیت این بدعت گذاریها و افشاء چهاره عاملین آن درست آن مسئله ای است که اهمیت عماسی و فوری دارد .

در همین قسمت نیز لازم است نکته ای را به رفقا گوشزد کنیم در واقعیت امرا هدف سیاسی و تعلقات طبقاتی جناحین درگیر


و بینشهای سیاسی ایدئولوژیک آنها که مبین "اهمیت سیاسی" یا "علت سیاسی" این درگیریها باشد برخلاف آنچه که رفقا مرتبا از آن داد سخن میدهند و آنرا دلیلی بر عدم امکان موضعگیری صریح در مورد فاجعه ۴ بهمن عنوان میکنند چندان هم نا "روشن" نبوده است . بنا نگاهی به آنچه که این جناحها در کشاکش قضیه و در لابلاهای اعلامیه ها و نشریات خود انتشار دادند میشد به حداقلهاشی از مواضع که همچنان بیانگر تعلق طبقاتی هر دو ی آنها به صف انقلاب باشد ، دست یافت . جناح کمیته مرکزی مدافع تمامی خطوط تشکیلات و خط ویرانه سازمان اقلیت و جناح دیگر خود را مدافع مصوبات کنگره اول این سازمان میدانند و هیچیک از اینها با توجه به اعتراضات اساسی موجود در مواضع سیاسی و تفکر شان ، حاوی آن رابطه و درک مشخصی که بیانگر جایگاه و موضع آنها در صف ضد انقلاب باشد ، نیستند . اما مشکل نویسندگان اعلامیه این مسائل نیست . همانطور که گفته شد تمسک به کلی بافی و طفره رفتن از برخورد مشخص با قضایا ، رفتار و ادار ساخته که مواضع دو جناح درگیر را نیز بررسی نکرده باشند ، تا به حداقلهاشی از اهمیت و علل سیاسی درگیری و تعلق طبقاتی دو جناح پی ببرند .

خط اصلی اعلامیه در بررسی روش نیروهای مختلف نسبت به فاجعه ۴ بهمن میکوشد این مطلب را نشان دهد که این جریانها تا به بهانه محکوم

۱۳۴۰

معلم انقلابی شهید

دکتر خانعلی



گرامی باد ۱۲ اردیبهشت روز معلم

بزعم آنها این نوع کلیات دست سازمانها را برای دخالت آشکار و اعمال ضد مکرراتیک نسبت به اقلیت باز گذاشت؟ و اصولا این دخالت چگونه بود و مشخصا از ظرف چه نیروهایسی صورت گرفت؟
ادامه دارد

گرا نبها و راهنمای کار انقلابی را به بهانه "کلیات" به بازی میگیرد ، اما گذشته از این مسئله ما از رفقا میخواهیم به فرض حقیقت چنین ادعائی حداقل زحمتی به خود بدهند و حساب دهند : چرا و چگونه و با کدام فاکتھای مستند و روشن بیان

نمودن فاجعه فوق و با ایجاد جوفشار به جناحین درگیر درون سازمان اقلیت آشکارا در امور داخلی این سازمان دخالت نموده اند. در این رابطه در اعلامیه فوق آمده است که: "روشن است صرف بیان این مسئله که این درگیری بهار ریشه در بینشهای ایدئولوژیک - سیاسی این سازمان دارد و یا آنکه مسائل درونی یک سازمان باید به طریق انتقادی و نه قهری حل شود و چیزهای دیگری از این نوع کلیات که در حقیقت دست بسیاری از نیروها را برای دخالت آشکار در مسائل درونی این سازمان باز گذاشت و توجیهی برای اعمال ضد مکرراتیک آنها گردید ، بی شک نمی توانست برخوردار شود. شخص با این واقعیت باشد. " (تاکید از ماست)
نخست یادآوری میکنیم که خود اعلامیه گویا فراموش کرده است که چند سطر بالاتر به موضوعی اشاره میکند مبنی بر اینکه: " ریشه اختلافات موجود و شیوه های حل آن را باید در تفکرات سیاسی و اصول ناظر بر کار تشکیلاتی این سازمان جستجو کرد" اما بعدا به یاد میآورد که بنظر او این موضوع "کلیات" در حقیقت دست بسیاری از نیروها را برای دخالت آشکار در مسائل درونی اقلیت باز گذاشته و توجیه گرا اعمال ضد مکرراتیک آنها گردیده است. گرچه اعلامیه در اینجا با لایبالیگری خاص خود اصول

از صفحه ۲۵

کمکهای مالی

- رفیق همایون کتیرائی ۴۰۰ کرون
- حرکت جمعی رفقای سوئده ۴۰۰ کرون
- رفیق مهرنوش ابراهیمی ۱۵۰ کرون
- محمد ۵۰۰۰ کرون
- روح انگیز دهقانی ۲۰ کرون
- بهروز دهقانی ۲۰ کرون

آلمان

مونس تر رفیق اشرف دهقانی ۴۰۰ مارک



چریک فدائی خلق رفیق شهید
مرضیه احمدی اسکویی



بمناسبت سالروز تولد دو آموزگار کبیر پرورتاریا



ولادیمیر ایلیچ لنین



کارل مارکس

خودکفائی ادعائی رژیم درزمینه

تامین نیازهای تسلیحاتی جنگ ایران و عراق

از هنگامی که رژیم جمهـووی اسلامی برمسند قدرت قرار گرفته دست به شعبده بازیهای فراوانی زده است. از جمله این رژیم بطرز مضحکی میکوشد واقعیات موجود اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را که تماما برضد خود عمل میکنند از طریق تبلیغات وارونه جلوه دهد. همگان آگاهند که این رژیم در زمینه کشاورزی، تجارت و بازرگانی، صنعت و غیره مدعی خودکفائی است و هر روز خبر از اختراعات "نیروهای متعهد و متخصص" خود میدهد که مثلاً فلان جنس را ساخته اند که نسبت به جنس مشابه خارجی با دوامتر، ارزانتر و کارآمدتر است و در ضمن بدین وسیله از خروج ارز هم جلوگیری شده است.

صنایع نظامی که علی الاصول باید احتیاجات جنگی رژیم ضد خلقی را تامین کنند یکی از آن زمینه‌های است که رژیم مدعی است با بسواه انداختن با اصطلاح تولید داخلی وابستگی را شدیداً کاهش داده و به حد زیادی خودکفا شده است. تکیه رژیم در این تبلیغات بر سازمان صنایع نظامی است که شاه مزدور در کنار موسسات وارگانهای وابسته به امپریالیسم دیگر برای جمهوری اسلامی به ارت گذاشته و گویا همین سازمان است که پس از اسلامی شدن کامل اکنون برای آقایان معممین از دستة نیل گرفته

تا موشکهای ۹ متری زمین بسه زمین تولید میکند و گویا حضرات آیات عظام و حجج اسلام احتیاج چندانی به تامین اسلحه از خارج ندارند البته طبق استدلال این جانیان مقدار کمی اسلحه هم، همه ساله وارد میشود که البته ناچیز است، چیزی در حدود ۸ میلیارد دلار! - توجه کنید ۸ میلیارد دلار اما ببینیم اصل قضیه چیست و حقیقت کدام است؟ از زمان شروع جنگ ایران و عراق، دو موضوع جلب توجه میکند. اول آنکه امپریالیستها از همان ابتدا کوشیدند با اعلام این مطلب که در جنگ بین ایران و عراق بیطرفند، چهره کشیف و خونبار خود را در این جنگ پوشیده نگاه دارند. جنگی که دقیقاً به خاطر مصالح و منافع امپریالیستی و توسط خود اینان برپا شده است و هم اکنون نیز ادامه دارد. دوم آنکه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با سرودای فراوان مدعی حمله شرق و غرب و عوامل استکبار و شیاطین به ایران اسلامی" شده که چشم ندارند استقلال و خودکفائی وی را ببینند.

دستگاههای تبلیغاتی رژیم رسای ارگانهای تبلیغاتی امپریالیستی این موضوع را مرتباً القاء میکنند که رژیم جمهوری اسلامی بخاطر فشاری اش در

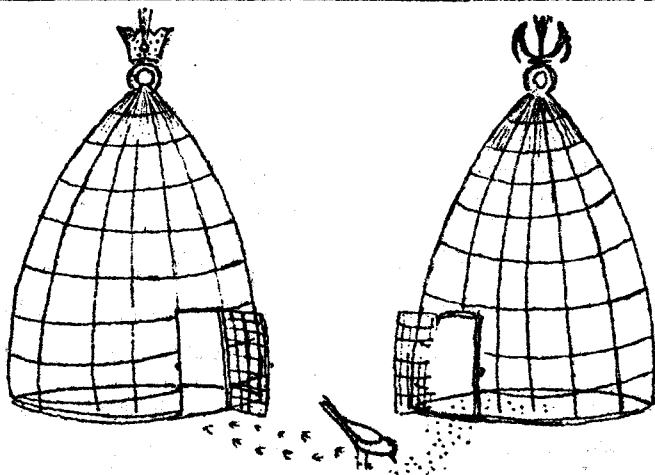
ادامه جنگ با عراق، در سطح بین المللی دارای دوستان کمی است. از همین جا عربده‌های رژیم مبنی بر اینکه ما ضد شرق و غرب هستیم، مستقل هستیم و به همین خاطر دنیا برضد ما است و ما برای مقابله باید در همه زمینه‌ها خودکفائی داشته باشیم، شروع میشود. در مسئله مورد بحث یعنی مساله نظامی تا آنجا که معلوم است سازمان صنایع نظامی تاکنون مقادیری برانکار دارد، آشپزخانه صحرائی و چند قلم جنس دیگر در همین ردیف ساخته است. مقادیری هم خمپاره انداز، زنجیرتانک فشنگ و غیره تولید میشود.

البته درست است بگوئیم مونتاژ می‌گردد - صرف نظر از اینکه خود سازمان صنایع نظامی با رشته‌های گوناگون به صنایع امپریالیستی مربوط است، اینها همه آن چیزی است که این سازمان از لحاظ نظامی تولید میکند. روشن است که جنگی به وسعت جنگ پنج سال و نیم کنونی بین ایران و عراق احتیاج به مقادیر عظیمی سلاح و مهمات دارد. رژیم جمهـووی اسلامی ناگزیر از آنست که این سلاحها را از "قدرت‌های استکباری شرق و غرب" خریداری نماید. به این ترتیب رژیم ضد خلقی سالانه مبالغ هنگفتی بالغ بر ۸ میلیارد دلار تنها بابت خرید اسلحه به جیب انحصارات امپریالیستی سرازیر میکند. از طرف دیگر این خریده‌ها عمدتاً از طریق واسطه‌ها و طی معاملات با اصطلاح قاچاق تحویل ایران میگردد که همین مسئله خود باعث

قرارداد برده‌اند. ما در اینجا با ادعاهای پوچ رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مبنی بر استقلال و خودکفائی کاری نداریم. چراکه اکنون وابستگی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در همه جوانب به امپریالیسم چیری نیست که کسی از آن خبر نداشته باشد. آنچه که فعلاً مهم است آنست که نقش امپریالیستها را در پشت پرده این جنگ نشان دهیم. همان نظر که میدانیم یکی از شیوه‌های شناخته شده امپریالیستها برای فائق آمدن به حرانهای نظام موجود همانا جنگ میباشد. درست بهمین دلیل است که امروز با توجه به بحران عظیمی که سراسر جهان امپریالیستی را دربر گرفته، امپریالیسم گرایش هر چه شدیدتری بسوی نظا میگری از خود نشان میدهد. جنگ ایران و عراق هم از این قاعده مستثنی نیست. اتفاقاً درست از زاویه پاسخیه همین بحران هاست که امپریالیستها این جنگ را سازمان داده‌اند. اکنون دول امپریالیستی و وابستگان آنها برای ادامه

این جنگ به هر دو طرف درگیر، اسلحه و مهمات میدهند. نگاهیه به لیست کشورهای فروشنده سلاح به ایران و عراق نشاندهنده آنست که بسیاری از این کشورها در آن واحد هم به ایران و هم به عراق اسلحه میفروشند. و همچنین در رابطه با جنگ ایران و عراق وبه بهانه اینکه دیگر کشورهای خاورمیانه مورد تهدید این جنگ قرار دارند امپریالیستها سیل سلاحها را سرازیر میکنند. کشورها مینمایند. این امر خود به مفهوم بکار افتادن صنایع نظامی امپریالیستی و رزق و تولید کاخانات اسلحه سازی در شرایطی است که صنایع مختلف بدلیل بحران دچار رکود میباشند. در عین حال از نظر سرمایه‌های امپریالیستی جنگ ایران و عراق مترادف است با سرمایه‌گذاری هر چه بیشتر در در کشور برای تعمیر خرابیها در حال حاضر و پس از پایان جنگ که این امر نیز تحرکی بزرگ برای اقتصاد بحران زده کنونی بوجود میآورد. و اینها همه البته صرف نظر از فواید دیگری است که

هزینه‌های با زهم بیشتری میگردد. بعضی از دولتهای امپریالیستی بظاهر فروش اسلحه به ایران را تحریم کرده‌اند و رسماً به ایران اسلحه نمی‌فروشند. این عمل دولتهای امپریالیستی به خاطر حفظ ژست بیطرفی آنها در جنگ صورت میگیرد. اما شرکتهای انحصاری وابسته به آنها عملاً فروش اسلحه را انجام میدهند تاکنون بسیار شنیده شده است که با اصطلاح قاچاقچیان از امریکا و اروپا در رابطه با فروش اسلحه به ایران تحت تعقیب قرار گرفته‌اند و هربار پس از روشن شدن افتضاح مسئله، دولتهای متبوعشان رسماً اعذار میکنند که ارقضیه خیردار نبوده‌اند. چه کسی بازمیکند که چند صد دستگاه تانک اربابگاهای نظامی امریکا خارج از به ایران فرستاده شده بدون آنکه وزارت دفاع و ارتش آن کشور از این عمل خبردار شده باشند! یک مورد از فروش اسلحه به ایران که با اصطلاح "رو" شد، مربوط است به یک شرکت فرانسوی بنام "لوشر" که مرکز آن در پاریس قرار دارد. این شرکت از شهریور ماه ۶۳ تاکنون مقادیر معتنا بهی اسلحه از جمله دهها هزار گلوله خمپاره به ایران فروخته است. ولی مقامات رسمی فرانسه اظهار کردند که حتی روحشان هم از ماجرا خبردار نبوده‌است! و آخرین مورد از این نوع فروش اسلحه به ایران، معامله قاچاق ۲/۵ میلیارد دلاری است که مقامات امریکائی و اسرائیلی طرف



جنگ ایران و عراق بیست و هفت ساله
امپریالیستها دربردارد. از جمله
سرکوب مبارزات فدائیان امپریالیستی
و انحراف این مبارزات.
داستان بیطرفی کشورهای
امپریالیستی در جنگ ایران و عراق،
داستان کسالت آوریست که فقط
بمنظور فریب توده‌ها ساخته شده و
بدرد خواب کردن دوستان نادان
خلق میخورد. آنها شی کسه
نمیخواهند بفهمند آنجا که پای
مصالح و منافع امپریالیستی
 مطرح است هیچ اصول و پرنسیپی
در نزد آنها قابل قبول نیست.
امریکا ظاهراً اعلام میکند که
به ایران اسلحه نمی‌فروشد ولی
وزیر دفاع سابق اسرائیل آریئل
شارون و دیگر مقامات صهیونیستی
رسمی اعلام میکنند که با توافق
دولت آمریکا سالانه مقادیر
هنگفتی اسلحه به ایرانیان
می‌فروشند. انگلستان هم در
جنگ کنونی ظاهراً بی‌طرفی
خود را اعلام کرده اما بی‌شکل
اسلحه‌های بریتانیایی به ایران
و عراق سرازیر است. همین چند

ماه پیش بود که اعلام گردید
یک شرکت هندی با همکاری شرکت
"مکنون" انگلیسی مقادیر عظیمی
مهمات جنگی به ایران ارسال
کرده و این معاملات از سال ۶۰
تا کنون جریان داشته است.
فرانسه این با صطلاح مه‌ده مکرر
و آزادی بورژوازی روابط بظاهر
تیره ای با ایران دارد اما
انحصارات فرانسوی یک آن از
تلاش برای فروش اسلحه به ایران
باز ناپسندیده اند. رابطه‌ها
بظاهر سرد و تیره بنظر می‌آید،
همه از یکدنگی جمهوری اسلامی
در ادامه جنگ می‌نالند. ظاهراً
نقض حقوق بشر و پایمالی
آزادی‌های فردی و اجتماعی
در ایران را محکوم میکنند. اما
در واقعیت امر آنها با یکدنگی
کامل بر سر فروش اسلحه به طرفین
درگیر جنگ با یکدیگر رقابت
دارند. در فروش اسلحه‌هایی
که ابتدائی ترین حق از حقوق
بشر یعنی حق زندگی کردن
را از مردم در کشور سلب میکنند.
آنجا که پای منافع متوجه است
حقوق بشر و آزادیهای فردی و

خوانندگان مبارز!
کیفیت صدای رادیو
چریکهای فدائیان خلق ایران
را در مساحت مختلف با اطلاع دهید

اجتماعی در نزد آنها هیچگون
حساب کف ما بون می‌ترکد و ناپدید
میشود.
یکی از نتایج این جنگ
همانطور که مکرراً گفته‌ایم،
وابستگی اقتصاد و سیاست ایران
به امپریالیستها در ابعاد
بسیار بزرگتر از زمان شاه
میباشد. بی‌خانمانی و درگیری،
فقر و فلاکت و گرسنگی تسبب
شدن صد ها هزار نفر از توده‌های
خلق از دستاوردهای جنگ
کشوری است. ویرانی و خرابی
هرچه بیشتر صنایع و کشاورزی
دستاورد دیگر جنگ است. امری
که رژیم را مجبور کرده است
تا هزینه‌های نجومی ای را صرف
خرید کالاهای ابتدائی ضروری
احتیاج مردم از خارج از کشور
نماید. گاز به آنجا کشیده است
که حتی ماست و چارو و کفن را هم
از خارج وارد میکنند، خود کفائی
سرابی است که جمهوری اسلامی
میخواهد آن را بجای آب به
مردم قالب کند. تا ماهیت
وابسته به امپریالیسم خود را
لبوشانی نماید. و کلام آخر

رفقای کارگر!
اول ماه مه، روز جهانی کارگر را به روز مبارزه
بر علیه جمهوری اسلامی و جنگ امپریالیستی
ایران و عراق تبدیل کنید!

را تشکیل میدهد . واقعیت این است که درمیهن ما سالهای مدیدی است که یک مبارزه مسلحانه بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیرش جریان دارد . کمانلیزه کردن همه مبارزات در این جهت ورشد و گسترش این مبارزه چنان شرایطی بوجود خواهد آورد که امپریالیستها و تمام دست اندرکاران جنگ کنونی را علیرغم میل خود به قطع این جنگ وادار خواهد نمود . درعین حال مبارزه مسلحانه تنها راه رسیدن به آزادی و تنها بستری است که در طی آن نابودی امپریالیسم و نابودی هرگونه جنگ ارتجاعی تحقق عینی خواهد یافت .

* * * *

نیروهای انقلابی خلق ما را در قبال جنگ کنونی مشخص میسازد . اگر از نقطه نظرا امپریالیستها جنگ ایران و عراق تا زمانیکه منافع آنها را تامین میکند باید ادامه یابد ، رشد مبارزات توده های آن عامل اساسی است که منافع جهانخواران امپریالیست را به خطر انداخته و بناچار آنها را به قطع جنگ وادار خواهد نمود . بنا بر این نشان دادن ماهیت امپریالیستی جنگ ایران و عراق به توده ها ، سازمان دادن اعتراضات و مبارزات توده ای بر علیه جنگ و تشدید مبارزات ضد امپریالیستی توده ها در جهت رشد و گسترش مبارزه مسلحانه در جامعه و تشدید این مبارزه وظیفه نیروهای انقلابی

آنکه هم این مصائب و بدبختی ها صرفا در پرتو هر چه فربه تر شدن انحصارات امپریالیستی حاصل گردیده است در نتیجه این جنگ تا زمانیکه مصالح و منافع امپریالیستها ایجاب کنند ادامه خواهد یافت و اگر منافع امپریالیستها حکم بر خاتمه آن دهد علیرغم تمامی هیاهوهای جمهوری اسلامی بفوریت قطع خواهد شد . در نتیجه صلح طلبی یا جنگ طلبی طرفین درگیر در این جنگ نقشی در پایان چنین جنگی که بوسیله امپریالیستها سازمان داده شده است نداشته و ندارد . و همین واقعیت است که وظیفه

"بازرگان"

قاره ترین نیرنگ امپریالیسم

بحرانها و سازشاتیهای اوج یابنده ، همواره امپریالیستها و دست نشانگان شان را وادار کرده است تا از افراد و جریانات گوناگونی بعنوان سوپاپ اطمینان استفاده نمایند . آن هنگام که توده ها بر اثر ظلم و ستم و اجحاف ، استثمار و فشارهای پلیسی ، کمبود ، گرانی ، تورم و بحران دست به حرکات وسیع و بی سابقه میزنند و مستقیما منافع امپریالیستها و رژیمهای وابسته شان را به خطر می اندازند ، این افراد و جریانات به روی صحنه پریده و خود را پرچمدار مبارزه با رژیم معرفی می نمایند و بدینگونه سعی در به کجراه کشاندن مبارزات توده ها می نمایند . بازرگانها و سنجابی ها و یا همین خمینی مزدور که در وابستگی شان به امپریالیستها هیچ شکی نمیتواند وجود داشته بقیه در صفحه ۳۹



چریک فدائی خلق

رفیق شهیدنا مرشیگان شاماسی

از صفحه ۲۴ "بازرگان"

تازه‌ترین نیرنگ امپریالیسم

با شدن ما بینندگان بورژوازی باصطلاح اپوزیسیون شاه بودند که در این رابطه مورد استفاده قرار گرفتند.

در چهار گوشه جهان نیز با چنین نیرنگهایی از طرف امپریالیستها مواجه هستیم. تبدیل دیکتاتوریهایی نظیر فاشیستی به حکومتهای غیرنظامی یا به زبان امپریالیستها "دمکراسیهای پارلمانی" در آمریکا لاتین که جناحهایی از بورژوازی ناراضی خود را پیشاپیش جنبش توده‌ای انداختند و سوار بر امواج جنبش - همچون خمینی در ایران - بقدرت رسیدند، ماجرای خانم آکینر در فیلیپین و علم کردن خانم بی نظیر بوتو در پاکستان، سربو آوردن دوباره احزاب سیاسی بورژوازی ترکیه که بعد از کودتای نظامی ژنرالها غیرقانونی اعلام شده بودند و غیره نشان دهنده آنست که امپریالیستها و دست نشاندهانشان هرگاه که خطراتی جنبش توده‌ای را حس میکنند مهره‌های "رزمیادان" را به میدان می‌آورند تا از یکسو جنبش توده‌ای را از رادیکالیزه شدن بازدارند و از سوی دیگر توده‌ها را که در چنین شرایط بحرانی سریعاً به زیر پرچم کمونیستها گرد می‌آیند فریب داده و به زیر پرچم سفیدوسبز خود بکشانند.

ایران نیز در این میان با بحران بسیار سخت و جدی روبروست. توده‌های بجان آمده ما اکنون تحت سخت‌ترین و مرگبارترین شرایط قرار گرفته‌اند. ناراضی‌هایی فزاینده می‌رود تا در پرونده "رجب و وحشت" ایجاد شده توسط رژیم رادرم بشکند و خیزشهای توده‌ای بسیار جدی بدنبال خود بیاورد و به همین دلیل امپریالیسم بورژوازی وابسته به آن در وحشت و هراس از حرکت آینده توده‌ها که سیر محتمل قضا یا بر آن حکم میکند، مهره قدیمی و کار ساز خود را به آرامی بجلو فرستاده‌اند. مهندس مهدی بازرگان یعنی همان "نخست وزیر منتخب امام" و "یار امام" اکنون اعلام نموده است که "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران" را بنا نهاده که از قرار همان جمع همیشگی "نهضت آزادی" به اضافه تعدادی عناصر منفرد رادرم میگیرد. هدف این "جمعیت" جدیدالتاسیس آقای بازرگان همانطور که خود اذعان دارند بر انداختن رژیم جمهوری اسلامی نخواهد بود و تنها در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌آرزو خود را دنبال خواهد نمود. در حال حاضر آنچه را که آقای بازرگان و جمعیتش خواهان آن هستند "کمی بازرگان" کردن فضای سیاسی جامعه است.

گویا آقای بازرگان از "فضای بازرسی" شاه مزدور درس عبرت گرفته و فقط خواهان "کمی بازرگان" شدن فضای سیاسی جامعه است. آخر دفعه قبل هم آقای بازرگان فقط خواهان باران بود ولی با سیل مواجه گشت، در هر حال او اکنون میخواهد فضای سیاسی فقط کمی بازتر شود، یعنی آنقدر که جمعیت آقای بازرگان هم در کنار حزب جمهوری اسلامی حق نفس کشیدن داشته باشند و فالانژها و حزب الهی‌های رژیم مراسم گاه و بیگاه آنان را بهم نریزند و آقای بازرگان بتواند قدری آزادانه تر عقایدش را بروز نماید تا بتواند بانق زنده‌های ملانصرالدینی بخیال خود توده‌ها را سرگرم نماید. منظور آقای بازرگان "از کمی بازرگان" شدن فضای سیاسی جامعه جز این نیست و صدا البته که این "کمی بازرگان" شدن فضای سیاسی به معنای مشارکت توده‌ها در این فضای نخواهد بود. توده‌ها این نظر را این مزدوران باید فضای اختناق فعلی را تحمل کرده و سیاست صبورانه انتظار پیشه نمایند تا امثال آقای بازرگان بتوانند "گام به گام" سیاست فریب توده‌ها را به پیش ببرند و کمی آزادانه تر در تقسیم غنائم مربوط به غارت و چپاول توده‌ها مشارکت نمایند. از طرف دیگر جمهوری اسلامی نیز در شرایط کنونی به وجود سویا باطمینانی در کشور نیازی دارد و لازم است کمی ادای دمکراسی را در آورد. میرحسین موسوی نخست وزیر در محاسبه خود

با نشریه عربی چاپ لندن میگزید که "دولت ایران بسه اقلیت در ایران اجازه فعالیت خواهد داد. مشروط بر آنکه قصد برانداختن جمهوری اسلامی را نداشته باشد." در این مصاحبه که قسمتهائی از آن در بی بی سی منعکس گشت. موسوی میگوید که "نهضت آزادی" از جمله این گروههای اقلیت میباشد. این سخنان موجب رضایت آقای بازرگان است. نامبرده اینرا بخوبی میداند که جمهوری اسلامی تنها تابع متغیری از اوضاع داخلی و بین المللی است و آنچه که اصل است حفظ سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم میباشد و اونیز درست بخاطر حفظ نظام سرمایه داری وابسته به چنین تلاشهای مذبحخانه دست میزند. در حال آقای بازرگان که زمانی نقش "اپوزیسیون اعلیحضرت" را بازی می نمود، مدتی است در حال تمرین نقش اپوزیسیون "حضرت امام" میباشد. در این راه دعای خیر جمهوری اسلامی نیز بدرقه راه مهندس بازرگان و یاران اوست و بهمین خاطر هم بوده که این بار در جلسه علنی "جمعیت" از حضور "امت همیشه در صحنه" در صحنه خبری نبود و برخلاف آنچه رادیوهای امپریالیستی خواستند جلوه دهند با توجه به وضعیت کنونی و چشم انداز آینده، این عدم حضور "امت همیشه در صحنه" جای هیچگونه شکفتی هم نداشت

چراکه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی با این بازی جدید، در مقابل افکار عمومی داخلی و بین المللی - والیته با همکاری و همدستی آقای بازرگان - ژستی دمکراتیک نیز بخرد میگیرد.

اپوزیسیون "قانونی" و بورژوازی آقای بازرگان و اپوزیسیونهای "غیر قانونی" بورژوازی در خارج از کشور تنها و تنها یک هدف را تعقیب میکنند: حفظ چهارچوب مناسبات ستمگرانه سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در ایران از گزند مبارزات ضد امپریالیستی توده ها و جنبش کمونیستی، رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی اکنون در خون و جنایت و فساد و فارتگری غوطه میخورد و امثال آقای بازرگان که جزئی از این سیستم و برآمده از آن هستند، حداکثر تلاش خود را می نمایند که چهره کریه و نفرت انگیز سیستم سرمایه داری وابسته و نماینده حاکم آن جمهوری اسلامی را به تمام و کمال آرایش کرده و چهره ای مقبولتر و "دمکراتیک تر" از آن ارائه نمایند. همه آنهائی که میخواهند در چهارچوب همین سیستم جمهوری اسلامی به حکومت برسند، همه آنهائی که میخواهند جمهوری اسلامی را با اصلاح دمکراتیک کرده و فرمانان برانند، جملگی دارای یک وجه مشترک تفکیک ناپذیرند و آن نیز سرپردگیشان به آستان امپریالیسم است و بس. آنها نمایندگان تام و تمام بورژوازی وابسته به امپریالیسم اند و تا هنگامی که بورژوازی وابسته

در ایران حاکم است، ستم و استثمار، فقر و فلاکت کارگران و زحمتکشان، بی حقوقی اقلیتهای ملی، سرکوب و کشت و کشتار زحمتکشان ادامه خواهد داشت و این منطق امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه است، مشاطه گرانی چون بازرگان نخواهند توانست بار دیگر توده های خلق ما را که اکنون بسیار آبدیده تر و با تجربه تر از ۷ سال پیش هستند ملعبه دست خود قرار دهند و آنها را به سوقی گمراه دلشان خواست بکشانند. کارگران و زحمتکشان ما این بار با تجربه بیشتر پایه میدان مبارزه خواهند نهاد. آنها نه تنها جمهوری اسلامی را نمیکنند بلکه کلیت سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را نیز نفی خواهند کرد. کارگران و زحمتکشان ما این بار بسیار جدی تر و مصممانه تر و بدون کمترین توهمی نسبت به اراذل و اوباش بورژوازی وابسته به امپریالیسم، برای استقرار حاکمیت خود خواهند جنگید و تا برقراری جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگرازی پای نخواهند نشست.

مرگ بر نظام سرمایه داری وابسته!
مرگ بر فریبکاران و دغلبکاران!



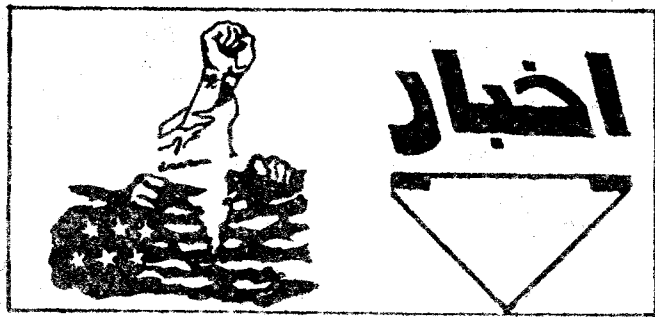
فشار قرار میدهند که برای مزدوران نان بیزند و اگر خانواده‌ای تن به این امر ندهد فرزندش را از مدرسه اخراج می نمایند. این فشارها باعث اعتراض مردم گشته و آنها به اشکال مختلف در مقابل این تضیقات مقاومت می نمایند.

لرستان

در روستای "پای آستان" از توابع کوهدشت لرستان به علت قطع آب روستا از طرف مالک مرتجع این ده اهالی روستا با کمبود آب مواجه شده اند. امری که شدیداً باعث اعتراض اهالی گشته است.

جوانرود کرمانشاه

رژیم مزدور که برای تسامین نیروی انسانی جبهه‌های جنگ از هیچ جنایتی رویگردان نیست، اخیراً در قلعه جوانرود به مراسم خاکسپاری عده‌ای از جوانانی که در جریان جنگ امپریالیستی ایران و عراق کشته شده بودند، حمله نموده و عده‌ای دیگر را برای اعزام به مسلخهای جنگ دستگیر مینماید. شرکت کنندگان در این مراسم خاکسپاری متحدانه در مقابل این سیاست وحشیانه مقاومت نموده و مزدوران رژیم را مورد تعرض قرار میدهند این مقاومت یکپارچه باعث آزادی دستگیرشدگان مزبور میگردد.



بیانه

بسم

در ۱۷ اردیبهشت ماه سال جاری شهر بانه و پادگان این شهر به اضافه پست بازرسی محصور بانه - سردشت مورد حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفت. در نتیجه این بمباران عده‌ای از اهالی بیدفاع شهر کشته و مجروح گشتند.

بوکان

در ادامه فشار بر مردم برای رفتن به سربازی اخیراً مزدوران رژیم در بوکان مزاحم تردد اهالی شهر شده و در جاهای مختلف شهر جلوی اهالی را گرفته و از آنها معافی سربازی را طلب مینمایند.

کامیاران

سرکوبگران جمهوری اسلامی در ادامه فشارها و اخاذیهای خود از توده‌ها اخیراً مردم مبارز شهر کامیاران را برای تهیه مایحتاج جبهه‌ها مورد فشار قرار داده‌اند. از جمله هر روز تعدادی از زنان و دختران این شهر را با زور به شهر داری میبرند تا برای مزدوران نان بپزند، و یا خانواده‌ها را تحت

سردمداران رژیم در این شهرستان مغازه داران این شهر را تحت فشار قرار داده‌اند تا برای ایجاد کمیته ضد خلقی کمک مالی نمایند. مغازه داران می بایست از ۱۵۰۰ تا ۶۰۰۰ تومان برای ایجاد کمیته کمک نمایند تا این کمیته پس از تشکیل به سرکوب مبارزات خود آنها بپردازد.

بیانه

در پی سیاست سربازگیری اجباری در شهر بانه، گشتیهای ثارالله در سطح شهر و جاده‌ها، جوانان را شکار کرده و بزور سرنیزه روانه مراکز نظامی مینمایند. در طی روزهای اخیر مزدوران سرسپرده رژیم به محاصره تعدادی از روستاهای بانه از جمله بوئین سفلا پرداخته روستائیان را با آزار و اذیت تحت فشار قرار دادند تا فرزندان شان را به جبهه‌های مرگ و خون بفرستند. ولی مردم روستای بوئین به مقاومت برخاسته و تن به این فشارهای مذبحخانه ندادند.

تهران

با حدت یابی و گسترش فشارهای رژیم تعداد خودکشی‌ها در ایران وسیعاً افزایش یافته است. اخیراً ۲ نفر در خیابانهای [قاسم آباد] اسلام شهر از شهرکهای اطراف تهران خود را حلق آویز نمودند و یکساله در خوزستان ۴ دختر و ۲ زن که نشان بین ۱۵ تا ۵۰ سال بود اقدام به خودسوزی کرده اند. این خودکشی‌ها بخوبی نشان دهنده جهنمی است که جمهوری اسلامی برای خلقهای تحت ستم ما بر جرد آورده است.

سردشت

اخیراً رژیم بمنظور شکست دادن جوانان برای اعزام به سلسله‌های جنگ امپریالیستی به روستاهای کولر پائین و بالا حمله نموده و تعدادی از جوانان روستا را دستگیر کرده است. در ضمن بعلت تشدید فشار رژیم در شهر سردشت برای دستگیری و اعزام جوانان به سربازی عده‌ای از جوانان این شهر به کردستان عراق فرار کرده‌اند.

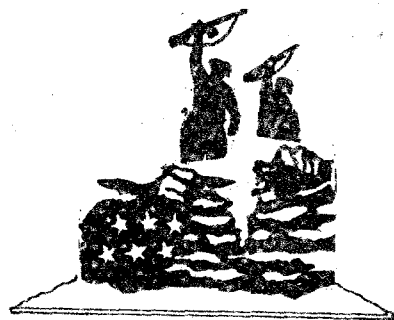
سردشت

در روز ۱۸ فروردین ماه بدنبال مجروح شدن سربازی که بطور تصادفی تیری از دست وی شلیک شده بود مزدوران جمهوری اسلامی اهالی روستای "شماره" سردشت را تحت فشار قراردادند، به ایمن بهانه که شما بسوی سرباز نامبرده

تیراندازی کرده و او را مجروح نموده‌اید. این عمل باعث اعتراض اهالی میگردد. زمانی که اهالی روستا تصمیم میگیرند برای اعتراض به این فشارها به شهر بروند، مزدوران جمهوری اسلامی کوتاه آمده و عقب‌نشینی مینمایند.

پیرانشهر

اخیراً مزدوران رژیم دامداران منطقه پیرانشهر را تحت فشار قرارداد و از بی‌بلاقی رفتن آنها جلوگیری نموده‌اند. در این رابطه در ۲۴ فروردین ماه سرکوبگران جمهوری اسلامی به چادر نشینان "دول آب‌خوازه" حمله کرده و از آنها میخواهند که چادرها و وسایل خود را جمع آوری کرده و به روستاهای خود بازگردند. در نتیجه مقاومت در برابر این تصمیم، سرکوبگران جمهوری اسلامی وحشیانه چادر یکی از دامداران را به آتش کشیده و به اذیت و آزار دیگر دامداران پرداختند.



مریوان

در روزهای شانزدهم و هفدهم اردیبهشت ماه سال جاری پادگان مریوان و قسمتهائی از این شهر هدف بمباران هواپیماهای عراق

قرار گرفت که منجر به خسارات زیادی گشت. در جریان این بمباران وحشیانه بیمارستان شهر نیز صدمه دید و عده‌ای از اهالی بیدفاع شهر کشته و مجروح گشتند.

مریوان

در جنگ امپریالیستی ایران و عراق، شهر مریوان همواره مورد یورش وحشیانه قرار گرفته است. بمباران این شهر از یکسری تلفات جانی و خسارات سنگینی به مردم این شهر وارد آورده و از سوی دیگر باعث شده که مردم خانه‌هاشان خود را سازند و آواره کوه و دشت گردند. تحت فشار و اعتراضات پراکنده آوارگان، مدنی پیش فرماندار خد خلقی شهر مریوان همراه نماینده مزدور مجلس شورای اسلامی شهر مریوان، به میان عده‌ای از آوارگان این شهر در یکی از مراکز تجمع آوارگان در روستای کانی‌دینار رفته و برای آنها سخنرانی می‌نماید. فرماندار مزدور در مقابل خواسته‌های آوارگان کانی‌دینار میگوید: "دولت هیچگونه بودجه‌ای ندارد که شما را تامین نماید. منتظر ما نباشید، جنگ است و شما هم آواره شده‌اید، تازه چه کسی گفته از شهر بیرون بیایید." فرماندار مزدور و سرسپرده امپریالیسم این پاسخ را در مقابل تشدید فقر و بدبختی، آوارگی و بی‌خانمانی و همچنین کشتن هزاران تن از جوانان چه در جبهه‌ها و چه توسط بمبارانهای به توده‌های تحت ستم میهنمان

میدهد . زهی بیشرمی .

باختران

روز ۲۶ فروردین ماه مردوران رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی درباختران با یک حمله سازمانیافته بساط دکه فروشان رادرمیدان آزادی ووزیری و خیابان نواب صفوی درهم ریختند و سپس بساطه آزارواذیت آنان پرداختند . در این حمله وحشیانه ، غفوری مزدور شهردار باختران نیز شرکت داشت . این مزدور پس از اتمام کار اعلام نمود که درآینده نزدیک در سایر خیابانها نیز به این عمل وحشیانه مبادرت خواهد نمود .

مهاباد

روز هفدهم فروردین ماه دکه داران و دست فروشان یکی از محلات مهاباد مورد یورش ددمنشانه ایادی رژیم قرار گرفتند این مزدوران در عین حال که بساط این زحمتکشان را برهم زدند کلیه وسایل آنها را جمع آوری و به بیرون شهر منتقل کرده و سپس به آتش کشیدند . این وقایع در زمانی اتفاق می افتد که در اثر بحران عمیق اقتصادی که دامن نظام موجود در ایران رافرا گرفته بسیاری از زحمتکشان جامعه مابیکار شده اند تا آنجا که بنا به اعتراف محمدتقی بانکی وزیر نیرو ، از ۱۲/۲ میلیون جمعیت فعال کشور تنها ۷/۵ میلیون نفر شاغل و ۴/۸ میلیون نفر بیکار میباشند . مشخص است که بخشی از این

شیراز

جمعیت عظیم بیکاران برای امرار معاش و حل مسئله بیکاری خود ناچارند اقدام به داثر نمودن دکه و بساطی در کنار خیابان بکنند . اما این دکه داران نیز همچون سایر زحمتکشان هیچگاه از یورش وحشیانه مزدوران رژیم در امان نبوده و همواره مورد ضرب و شتم ایادی رژیم قرار دارند .

مهاباد

در ناحیه منگوران رژیم ضدخلقی اهالی روستای ده بکر را تحت فشار قرار داده است که یا باید اسلحه رژیم را برداشته و برای ایجاد ممانعت در مقابل حملات انقلابی پیشمرگان دلاور خلق کرد به پایگاهها و مراکز نظامی رژیم به نگاهیانی بپردازند و یا به سرپازی بروند . عده ای از اهالی این روستا در برابر فشار و تهدید رژیم رفتن به سرپازی را پذیرفتند و همین مسئله باعث آن شده که بین اهالی روستا اختلافاتی بروز نماید و این امر در روند خود موجب گردید که رژیم اهالی ده را با استفاده از دودستگی و نفاق بین آنان ، مسلح کند . در ادامه این سیاست ضدخلقی مزدوران جنایتکار جمهوری اسلامی ابتکار عمل را به دست گرفته و به روستاهای قاضی آوا ، برایمه ، عمادیه ، سلیم ساهول و کوتریورش برده و اهالی این روستاها را تهدید کردند که باید اسلحه رژیم را بردارند و گونه به زور بساطه جبههها اعزام خواهند شد .

در حالیکه سردمداران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در مورد خود کفائی و رشد تولیدات داخلی داد سخن میدهند ، حسین نقره کار شیرازی استاندار فارس در جمع صادرکنندگان کالاهای غیرنفتی ، اعتراف نمود که ایران درازاء ۳۵۰ میلیون دلار صادرات به خارج در سال ۶۴ ، ۲۰ میلیارد دلار واردات داشته

است . یعنی در برابر هر یک دلار صادرات مواد غیر نفتی ۶۰ دلار واردات جمهوری اسلامی بوده است

سقز

در اول اردیبهشت امسال روستای "گنده سور" از توابع گورک سقز مورد یورش نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفت . مزدوران وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در ادامه سیاست ضدخلقی تسلیح اجباری و با تحت فشار قراردادن مردم زحمتکش روستای "گنده سور" سعی در مسلح نمودن آنان می نمایند . روستائیان زحمتکش "گنده سور" همانند دیگر زحمتکشان کردستان یکپارچه در مقابل سیاستهای ارتجاعی رژیم ایستادگی کرده و تن به این سیاست ضدخلقی نداده و بعنوان اعتراض دسته جمعی روستاهای خود را ترک می نمایند . مقاومت یکپارچه روستائیان سیاستهای ارتجاعی رژیم را برملا ساخت . نیروهای سرکوبگر رژیم باید بدانند که با اتخاذ سیاستهای ارتجاعی نمی توانند به اهداف پلیدشان دست یابند .

شهادت اردیبهشت ماه
چریکهای فدائی خلق ایران



" هزاران هزار شهید ، جان خود را در راه منافع خلق
قهرمانانه فدا کرده اند ، بگذار درفش آنها را برافرازیم و
در راهی که با خون آنها سرخ شده است ، به پیش رویم !"
(ماثوتسه دون)

رفیق شهید محمود خرم آبادی	۵۵/۲/۲۸	رفیق شهید حسین فاطمی	۵۵/۲/۲۸
رفیق شهید مصطفی حسن پور	۵۵/۲/۲۷	رفیق شهید هوشنگ اعظمی لرنستانی	۵۵/۲/۲۵
رفیق شهید امین	۵۵/۲/۲۷	رفیق شهید عبدالله پنجه شاهی	۵۶/۲/۱
رفیق شهید فریده غروی	۵۵/۲/۲۷	رفیق شهید تورج اشتری	۵۵/۲/۲۷
رفیق شهید میترا بلبل صفت	۵۵/۲/۲۸	رفیق شهید علی اکبر (فریدون)	۵۴/۲/۶
رفیق شهید بهروز رفغانی	۵۵/۲/۲۸	جعفری	۵۴/۲/۲
رفیق شهید اسماعیل عابدی	۵۵/۲/۲۸	رفیق شهید شیرین فضیلت کلام	(معاضد)
رفیق شهید زهره مدیرشانه چی	۵۵/۲/۲۸	رفیق شهید محمود نمازی	۵۴/۲/۲۰
		رفیق شهید منصور فرشیدی	۵۴/۲/۲۰
		رفیق شهید حبیب الله مومنی	۵۴/۲/۱۴
		رفیق شهیدهای فرجاد	۵۴/۲/۱۰
		رفیق شهید لادن آقا	۵۵/۲/۲۵
		رفیق شهید فرهاد صدیقی پاشاکی	۵۵/۲/۲۵
		رفیق شهید مهوش حاتمی	۵۵/۲/۲۵
		رفیق شهید محمدرضا قنبرپور	۵۵/۲/۲۵
		رفیق شهید احمد رضا قنبرپور	۵۵/۲/۲۵
		رفیق شهید فرزاد دادگر	۵۵/۲/۲۵
		رفیق شهید عزت غروی (رفیق مادر)	۵۵/۲/۲۵
		رفیق شهید قربانعلی زرکسار	۵۵/۲/۲۵
		رفیق شهید ناصر شایگان شام اسبی	۵۵/۲/۲۵
		رفیق شهید ارژنگ شایگان شام اسبی	۵۵/۲/۲۵
		رفیق شهید جهانگیر باقربور	۵۵/۲/۲۵

روزشمار اردیبهشت ماه

۱۲۶۵/۲/۱۱ - اول ماه مه روز جهانی کارگر ۱۸۸۶	۲۲/۲/۲ - آوریل ۱۸۷۰ نولدلنین
۱۲۹۹/۲/۱۲ تظاهرات وسیع در تهران و نخستین نمایش کارگری در ایران به ابتکار شورای مرکزی اتحادیه کارگران	۱۲۹۴/۲/۵ - قتل عام ۱/۵ میلیون ارمنه توسط دولت ترکیه
۱۳۴۰/۲/۱۲ - شهادت دکتر خاتمی در جریان اعتصاب یکپارچه معلمان روز معلم	۱۳۳۲/۲/۶ - ترور افشارطوس رئیس شهربانی حکومت ملی دکتر ممدق
۱۳۴۷/۲/۲۱ شهادت اسماعیل شریفزاده و یارانش	۱۳۳۰/۲/۷ - اعتصاب کارگران نفت جنوب و اعلام حکومت نظامی
۱۳۶۰/۲/۱۵ - شهادت بابی ساندز از رهبران آزادیخواه ایرلند پس از اعتصاب غذای ۶۵ روزه	۱۳۵۰/۲/۸ - سرکوب اعتصاب کارگران جهان چیت توسط مزدوران شاه و شهادت کارگران قهرمان وجیه الله چشم افروز ، علی کارگر ، حسین نیکوکار روز خمی شدن ۱۴ کارگر
۱۳۷۴/۲/۱۸ - ژوئن ۱۹۴۵ پایان جنگ جهانی دوم و شکست فاشیسم	۱۳۳۰/۲/۹ - تشکیل دولت ملی دکتر ممدق و تصویب قانون خلع ویدار شرکت غارتگر نفت انگلیس
۱۳۳۷/۲/۲۱ - تیرباران خسرو روزبه توسط رژیم شاه	۱۳۵۴/۲/۱۰ - پیروزی انقلاب ویتنام (فتح سایگون) ۲۰ آوریل ۱۹۷۵
۱۳۱۹/۲/۲۹ (ماه مه ۱۸۹۰) تولد هوشی مین	

کمکهای مالی

ایران سالگرد انقلاب شکوهمند ویتنام
پایه دو
راگرواهی داریم
۰۰۰۰ ویتنامهای دیگر

۲۰ دلار	ج - هوستون	۲۶۳ دلار	رفیق سیما دریاغی اوهایو	۶۰ دلار	سعید محسن - شیکاگو
۵۰ دلار	قرضه کمک مالی کردستان نیومکزیکو	۱۲۵ دلار	ققنوس - چاپل هیل	۲۵ دلار	پویان - شیکاگو
۳۱۲ دلار	خرمشهر - اوهایو	۲۴۰ دلار	آشنا - اوهایو	۶۵ دلار	حنیف نژاد - شیکاگو
۲۸۸ دلار	نشست شیکاگو - اوهایو	۱۰۰ دلار	یوسف قانع خشکیجاری - میامی	۲۰ دلار	آبادان - کلیولند
۲۹۹ دلار	باران - اوهایو	۲۲۰ دلار	اسما عیل هادیان - میامی	۲۵ دلار	صمد - شیکاگو
۱۵ دلار	شیرین - راشنگتن	۶۰ دلار	بریان - شیکاگو	۶۰ دلار	حنیف نژاد - شیکاگو
۳ دلار	مجموعه موسیقی پیام ۳	۱۰۰ دلار	مجاهد مریم کیانی - ۴	۶۰ دلار	سعید محسن - شیکاگو
۳۰۰ دلار	مجموعه موسیقی پیام ۴	۱۰۰ دلار	سعید آریان - نیومکزیکو	۶۰ دلار	بدیع زادگان - شیکاگو
۲۰۰ دلار	فشننگ - دالاس نیومکزیکو	۱۰ دلار	لیزا - دنور	۳۰ دلار	آزادی - کلیولند
۲۰۰ دلار	سیا هکل - نیومکزیکو	۱۰ دلار	کردستان - دنور	۵۰ دلار	یکنفر - میامی
۴۰ دلار	شب همبستگی با خلق کوردستان - نیومکزیکو	۲۵ دلار	ج - واشنگتن	۶۰ دلار	یکنفر - میامی
۱۵۰ دلار	ریژه ناسه - نیومکزیکو	۵ دلار	ب - واشنگتن	۱۰۰ دلار	رفیق حسین رکنی - میامی
۲۰ دلار	صمد بهرنگی نیومکزیکو	۲۷۳ دلار	آرش - دنور	۱۷۲ دلار	رفیق اکبر حسینخانی - میامی
۳۰۰ کرون	رفیق عباس مفتاحی	۲۰ دلار	کا مرآن اسما عیل راده	۲ دلار	رفیق اکبر حسینخانی - دنور
۲۰۰ کرون	رفیق وریا	۱۰ دلار	روح انگیز دهقانی	۵ دلار	کردستان - استن
۱۲۰۰ کرون	رفیق نادر شایگان	۲۰ دلار	ف - هوستون	۳۰۰ دلار	غزال آیتی - استن
۱۰۰۰ کرون	رفیق گوالد رکاو	۱۶ دلار	ج - پ - ک هوستون	۱۶۰ دلار	چریک فدائی - هوستون
۲۴ صفحه	بقیه در صفحه	۲۶/۳۵ دلار	حبیبدا شرف - هوستون	۱۶۰ دلار	سیا هکل - دیترویت
		۵ دلار	ف - هوستون	۱۶۰ دلار	پویان - دیترویت
		۲۰ دلار	کردستان - هوستون	۱۶۰ دلار	کمکهای دارویی ، پزشکی از طرف واحدهای سازمان سراسری هواداران چریکهای فدائی خلق ایران در امریکسا
				۴۰ دلار	اکبر حسینخانی - هوستون
				۱۸۰ دلار	مجاهد مریم کیانی
				۱۸۰ دلار	وساثل و دارو - باکد رفیق حسینخانی دنور
				۱۸۰ دلار	وساثل مختلف رفیق روح انگیز دهقانی هوستون
				۳۱۲ دلار	رفیق اکبر حسینخانی - اوهایو

جاودان باد خاطره تنهایی شهدای بخون خفته خلق

این روزها عربده‌های "جنگ جنگ" بیش از گذشته و در همه جا طنین انداز شده است. منادیان مرگ از اتحاد شیوه‌های جدیدی برای کشاندن جوانان به جبهه‌های جنگ سخن میگویند. وبه همین منظور اخیراً به چاپ فرمهای مخصوص بقیه در صفحه ۲۵

اقدامات ارتجاعی اخیر رژیم در رابطه با جنگ برای چیست؟

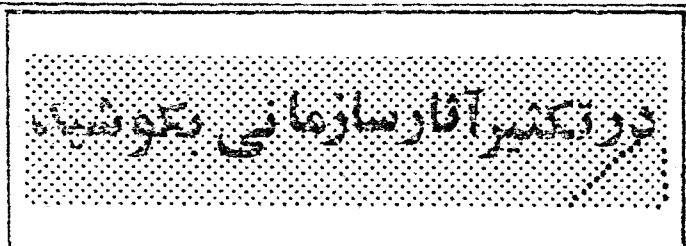
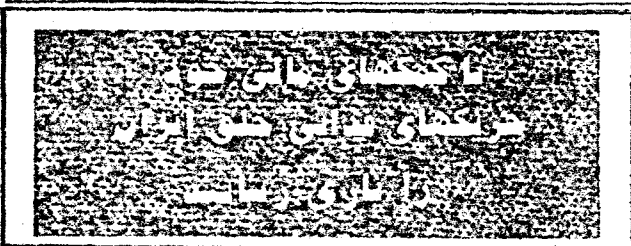
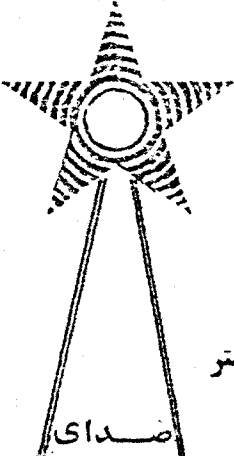
دفاع شورمگینانه از فاجعه ۴ بهمن (۱)

فاجعه ۴ بهمن و درگیری مسلحانه و خونینی که در بین نیروهای سازمان اقلیت به وقوع پیوست و منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از اعضا و نیروهای این سازمان به دست یکدیگر گردید، واکنشهای متفاوتی را در بین ساپرنیروهای سیاسی برانگیخت. گرچه فاجعه ۴ بهمن نقطه پدیدار شدن اثرات مخرب و عطفی در تکامل یک پروسه و ناهنجارترین شکل بروز آن بینش و شیوه‌های برخوردی بود که در سازمان اقلیت، تقابل فیزیکی را به جای بحث و اقناع و سبک کار انقلابی در درون تشکیلات نشانده و گرچه با وجود گذشت چندماه از این درگیری خونین و رویداد اسفبار، با پدیدار شدن اثرات مخرب و

قاچاق اسلحه و فریبکاریهای امپریالیستها


اخیراً خبرگزاریهای مختلف خبر از کشف یک شبکه فروش تجهیزات نظامی قاچاق به ایران را میدهند که گویا در آمریکا کشف شده است، محمولات عبارت بودند از دهها هواپیمای فانتوم از نوع F-4 و F-5، هواپیمای شکاری اسکای هاک، موشکهای هوا به هوا بقیه در صفحه ۲۲

زیانبار آن برپیکر جنبش و خودسازمان اقلیت، دوجناح متخاصم نشان داده‌اند که قادر به کوچکترین درگیری و برخورد بقیه در صفحه ۳۱

سامات پخش
۶/۵ بعد از ظهر و
۱۲ ظهر روز بعد
امواج کوتاه
ردیف‌های ۴۱ و ۷۵ متر
صدای
چریکهای فدایی خلق ایران

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران
با نشانی‌های زیر مکاتبه کنید:



F.S
B.P-181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE
BM BOX 5051
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND

بهرار باد جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر!